

## موفقیت داعش، منبع الهام برای برخی دانشجویان افغانستان



دانشجوی ساکتی در دانشگاه کابل، عبدالرحمان، رویایی در سر دارد: به گروه دولت اسلامی (داعش) در سوریه بپیوندد و برای تأسیس خلافت جهانی اسلام بجنگد. این نوع تندروی در کشوری خسته از جنگ، هشداردهنده است.

او که ۲۵ ساله است، می‌پرسد: «وقتی صدها خارجی، هم زن و هم مرد، زندگی راحتشان را ترک می‌کنند و به داعش می‌پیوندند، پس ما چرا به آن‌ها نپیوندیم؟»

با آن که به نظر نمی‌رسد دولت اسلامی در افغانستان عملیاتی داشته باشد، نفوذ آن‌ها در کشوری که هر روز در باتلاق حمله‌های شورشیان طالب فرومی‌رود، در حال افزایش است. با خروج اکثر سربازان رزمی خارجی از افغانستان تا پایان سال جاری، با ظهور ایدئولوژی داعش، خطر دیگری برای این کشور اضافه شده و بی‌اطمینانی در باره‌ی این که افغانستان به کدام سو خواهد رفت، افزایش یافته است.

امسال در حدود سی تا چهل دانشجو، چند ماه بعد از نفوذ داعش در آسیای مرکزی و جنوبی، یک گروه زیرزمینی شکل دادند. تعدادی از آنان پیش از این، به سوریه سفر کرده‌اند. چندین گروه تندرو...



### حمله‌ی انتحاری در قندهار، با مرگ مهاجمان پایان یافت



ص

### مردی بر یک دختر پنج ساله تجاوز کرد



ص

### وعده‌خلافی ما با زنان افغانستان



ص

### ۱۰ کشف اتفاقی که جهان را تغییر دادند



ص

### کاسپاس: بار سا در اروپا، رقیب اصلی ما نیست



ص

## ناتو به مأموریت جنگی‌اش در افغانستان پایان داد



صفحه ۲

صفحه ۳

## نگاهی به ریشه‌های اجتماعی افزایش تجاوز جنسی و خشونت با زنان

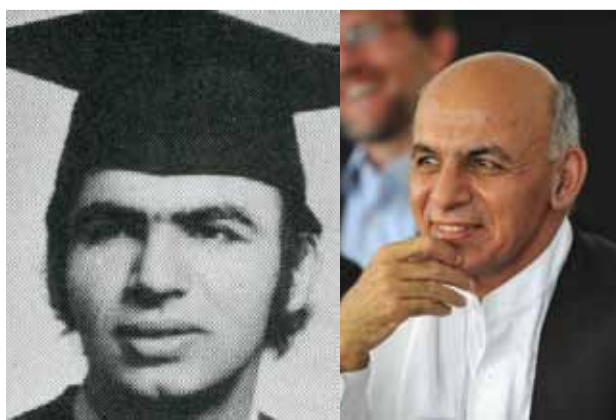


سناریوی غم‌انگیز خشونت علیه زنان و تجاوز بر کودکان در این سرزمین پایانی ندارد. جسد خون‌آلود یک دختر جوان در حالی از یک خرابه در ولایت هلمند پیدا شده است که توسط چاقو به قتل رسیده و برای این که هویتش پنهان بماند، بر رویش اسید پاشیده شده است. پس از دیده شدن توسط مردم محل، توسط پولیس به شفاخانه انتقال یافته و کسی اظهار نکرده که از اقارب آن دختر می‌باشد. یک دختر پنج ساله سه روز پیش در روستای «مهاجر قشلاق» ولسوالی شولگره‌ی ولایت بلخ از سوی مرد ۱۹ ساله مورد تجاوز قرار گرفت و فرد متجاوز بازداشت شده است و نیز در حدود یک ماه پیش یک دختر سه ساله توسط مردی در ولسوالی رستاق ولایت تخار مورد تجاوز قرار گرفت و پیش از آن که از سوی مرد متجاوز به قتل برسد، توسط یکی از اعضای خانواده‌اش نجات یافت. پدر دختر برای دادخواهی مجبور شد که به کابل بیاید و از بیدادگری که بر دختر و خانواده‌اش صورت گرفته، به رییس جمهور شکایت کند.

این وقایع تلخ نمونه‌های برجسته‌ی سناریوی خشونت و تجاوز علیه زنان و کودکان می‌باشند.

صفحه ۴

## دگردیسی اشرف غنی



پیش از این اشرف غنی ریش و بروت نداشت. اکنون او ریش گذاشته است، نازک، منظم و با رویت خوب. او قبلاً ترجیح می‌داد کتوشلوار با نکتایی بپوشد؛ اما اکنون خود را در لباس‌های سنتی می‌پسچاند و گاهی هم دستارهای قبیله‌ای را به دور سرش می‌پسچد. صدایش متأثرکننده است. بدون شک، اشرف غنی گذشته و حال، از هم خیلی متفاوت اند. در گذشته او با پیشینه‌ی آشنایی با دانشمندان و متفکران هانگانگ و واشنگتن، یک تکنوکرات برجسته و مطرح بود؛ اما اکنون به یک عوام‌فریب پوپولیست مبدل شده است. از قندهار تا قندوز، در میان مردم سخنرانی کرد. در کمپاین‌های انتخاباتی بهار ۲۰۱۴، وی با یک دگردیسی در میان مردم ظاهر شد. این تظاهر وی در میان مردم، به پیروزی‌اش انجامید. روز دوشنبه، ۲۱ سپتامبر، وی به عنوان رییس جمهور جدید کشور اعلان شد، کشوری که به یک حالت آشفته و کشمکش دایمی گرفتار است. در دنباله‌ی این کشمکش‌ها، کشورهای آسیای میانه، خاورمیانه و نیم‌قاره‌ی هند، انگشت اتهام را به سوی هم‌دیگر بلند می‌کنند.

اشرف غنی، ۶۵ سال عمر دارد. او جانشین حامد کرزی شد که ۵۶ سال عمر دارد. از کرزی به عنوان «مرد بازسازی» در افغانستان، پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، یاد می‌شود. اشرف غنی...



<b>اطلاعات روز</b>	
<b>سه‌شنبه</b>	
<b>۱۸ قوس</b>	
<b>۱۳۹۳</b>	
<b>سال سوم</b>	
<b>شماره ۷۲۸</b>	



## یادداشت روز

# جامعه‌ی کرخت و تراژدی ناتمام خشونت با زنان

..... **هادی صادقی**

روزی نیست که در فهرست خبرهای روزانه‌ی افغانستان با موارد تکان‌دهنده‌ای از قتل، تجاوز، خشونت و بدرفتاری با زنان برنخوریم. مردم افغانستان اکنون با این پدیده عادت کرده‌اند و موارد هرچند تکان‌دهنده و فجیع خشونت و بدرفتاری با زنان، بر روح و روان کرخت مردم افغانستان تأثیر نمی‌کند. تنها کاری که می‌شود، این است که نهادهای دفاع از حقوق بشر، نهادهای جامعه‌ی مدنی و رسانه‌ها همواره از افزایش این پدیده سخن می‌گویند، بدون این‌که هیچ کمک عملی برای کاهش و جلوگیری از این پدیده انجام بدهند. در تازه‌ترین مورد، روز گذشته جسد یک دختر شانزده ساله که با ضربات چاقو به قتل رسیده بود، در ولایت هلمند یافت شد. در ولایت بلخ نیز دو روز پیش یک دختر پنج ساله از سوی مردان بی‌رحم مورد تجاوز جنسی قرار گرفت. برخی بر این باورند که میزان خشونت علیه زنان بالا نرفته، بلکه آن‌چه افزایش یافته، میزان آگاهی مردم و نهادهای مدنی از این خشونت‌ها به‌خاطر سرعت نشر اطلاعات توسط رسانه‌های همگانی است، وگرنه میزان خشونت‌ها علیه زنان در گذشته امروز قابل مقایسه نیست و وضعیت زنان امروز نسبت به گذشته بهبود چشم‌گیری یافته است. در این تردیدی نیست که وضعیت زنان در شهرها شاهد رشد کیفی چشم‌گیری بوده است؛ اما این قاعده را نمی‌توان به وضعیت زنان در روستاها و مناطق دوردست نیز تعمیم داد.

حقیقت این است که رشد آگاهی زنان از حقوق اساسی‌شان، هرچند در درازمدت به نفع جامعه است؛ اما این موضوع خود باعث بروز بسیاری از حوادث ناگوار خشونت علیه زنان شده است. زیرا مردان سنتی‌ای که هنوز به زنان به چشم جنس دوم می‌نگرند و از ابزار اعمال خشونت نیز برخوردار اند، نمی‌توانند وضعیت موجود را بپذیرند.

دو نمونه‌ی یاد شده در عین حالی که مصداقی از شدت اعمال خشونت علیه زنان است، به‌نوعی عمق چنین خشونت‌ی را نیز به نمایش می‌گذارد و این بدان معنا است که کشور ما در حال پا گذاشتن به یک باتلاق عمیق اجتماعی است. چنین خشونت‌هایی معمولاً صورت انتقام‌جویانه دارند؛ اما مسئله زمانی خطرآفرین می‌شود که در این خشونت‌ها نوعی نوآوری نیز دیده می‌شود؛ ابداع در کیفیت و عمق خشونت. متأسفانه شیوه‌های به‌کار رفته در خشونت علیه زنان، هر روز متحول می‌شوند و هم‌روزه مردم افغانستان از موارد فجیع و تکان‌دهنده‌ی خشونت با زنان، متعجب می‌شوند. در گذشته‌ها اگر لک‌وکوب و انکار حقوق انسانی زنان پدیده‌ی رایج در میان مردم بود، جنایت‌هایی مثل بیبنی و گوش بریدن، تجاوز بر دختران سه ساله و پنج ساله و اسیدپاشی و دیگر شیوه‌های فجیع بدرفتاری با زنان که هم‌روزه در رسانه‌ها گزارش می‌شوند، شایع نبود. اما امروزه متأسفانه با تکرار این حوادث، این نوع جنایت‌ها به پدیده‌ی رایج و عادی بدل شده و روزبه‌روز میزان حساسیت عمومی نیز در برابر آن کاهش می‌یابد.

پس در این‌که ما از منظر بزه و جرایم اجتماعی وارد فاز خطرناکی شده‌ایم، تردیدی وجود ندارد؛ اما پرسش این است که چرا به گستره و عمق جنایات هم‌زمان افزوده شده است؟ این پرسش سخت پاسخ ساده‌ای دارد و آن احساس مصئونیت مجرمان از پیگرد است. در عرف جامعه‌ی افغانی که مبتنی بر سنت‌های دیرینه‌ی مردسالاری است، زن پیش از محاکمه، محکوم است و این عرف نخستین عاملی است که چنین احساس مصئونیتی را در عامل خشونت علیه زن ایجاد می‌کند. عنصر مهم دیگر، خنثا بودن نهادهای قضایی و مجریان قانون کشور در برابر چنین حوادثی است. هرچند قانون در موارد خشونت و نقض حقوق انسانی افراد، به‌ویژه زنان، شفاف است؛ اما مجریان و اعمال‌کنندگان قانون یا در گرداب فساد اداری غرق اند، یا در چنبره‌ی همان عرف سنتی کشنده هنوز گیر مانده‌اند.

حتا گزارش‌هایی وجود دارند که به‌جای آن‌که عامل خشونت توسط دادستانی و پولیس مورد تعقیب قانونی قرار گیرد، قربانی خشونت از سوی این نهادها مورد پیگرد و مجازات قرار گرفته است. بنابراین، تا زمانی که نوع نگاه و رفتار مجریان قانون به بحران‌های اجتماعی تغییر نکند و عواملن خشونت علیه زنان احساس مصئونیت نمایند، امیدی به پایین آمدن گراف خشونت علیه زنان وجود نخواهد داشت.

نیروهای ناتو روز دوشنبهٔ مأموریت رزمی خود در افغانستان را رسماً پایان دادند. ناتو از این به بعد مأموریت جدید خود به‌نام «حمایت قاطع» را آغاز می‌کند که شامل آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای افغان است. مأموریت رزمی ناتو در افغانستان پس از حملات یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بر ایالات متحده‌ی امریکا، آغاز شد. در آن زمان نیروهای امریکایی با حمله بر افغانستان، حاکمیت طالبان در کشور را سقوط دادند و حکومت جدیدی را تحت ریاست جمهوری

حامد کرزی ایجاد و حمایت کردند. نیروهای ناتو در ۱۳ سال گذشته در نواحی مختلفی جنگ علیه طالبان را ادامه دادند. آن‌ها هم‌زمان آموزش نیروهای امنیتی کشور را نیز به عهده داشتند. اما به اساس توافقات جدید، اکنون مأموریت رزمی ناتو در افغانستان به پایان رسید و نیروهای خارجی در کشور از این به بعد، زیر نام «حمایت قاطع»، نیروهای امنیتی کشور را آموزش و مشوره خواهند داد. فرماندهی ناتو به روز دوشنبه (۸ دسامبر/ ۱۷ قوس) پرچم خود در افغانستان را پایین

## ناتو به مأموریت جنگی اش در افغانستان پایان داد

مأموریت رزمی ناتو در حالی به پایان می‌رسد که طالبان حملات خود را به‌شدت افزایش داده‌اند. هرچند مأموریت آینده‌ی نیروهای ناتو تنها آموزش و مشوره‌دهی به نیروهای افغان گفته شده است، اما باراک اوباما، رییس جمهور ایالات متحده‌ی امریکا قبلاً فرمانی را به امضا رسانده است که بر اساس آن نیروهای امریکایی در صورت لزوم از سال ۲۰۱۵ به بعد هم می‌توانند در مأموریت‌های جنگی سهم بگیرند. (دویچه وله)

### حمله‌ی انتحاری در قندهار، با مرگ مهاجمان پایان یافت

است که با ولایت نآرام هلمند مرز مشترک دارد و در بخش‌هایی از این منطقه گروه طالبان نفوذ دارد. روز یک‌شنبه نیروهای امنیتی عملیاتی را علیه شورشیان در میوند به راه انداختند، ولی براساس گزارش‌ها، هنوز موفق به بیرون راندن طالبان از این منطقه نشده‌اند.

(بی‌بی‌سی)

پولیس به تن داشتند.

گروه طالبان مسئولیت این حمله را به عهده گرفته، اما در مورد پیامدهای آن اظهار نظر نکرده است. در همین حال، یک منبع امنیتی در ولسوالی میوند گفته که سه پولیس، از جمله یک افسر پولیس هم در این درگیری کشته و هفت تن دیگر زخمی شده‌اند. میوند یکی از آرام‌ترین مناطق ولایت قندهار

موتر خود را در نزدیک ساختمان ولسوالی و اداره‌ی امنیت ملی میوند منفجر کرد و به‌دنبال آن سه مهاجم دیگر به تیراندازی پرداختند. سخنگوی پولیس قندهار افزود که درگیری بین مهاجمان و نیروهای امنیتی بیش از یک ساعت ادامه داشت و با کشته شدن هر سه مهاجم، درگیری پایان یافت. به گفته‌ی او، مهاجمان لباس مشابه لباس

### مردی بر یک دختر پنج ساله تجاوز کرد

تجاوز به دخترش را محاکمه نکنند، او پنج فرزند دیگرش را جلو ارگ ریاست جمهوری خواهد کشت و افغانستان را ترک خواهد کرد. فعالان مدنی و حقوق زنان خواستار برخورد جدی دولت با عاملان این‌گونه خشونت‌ها شده‌اند. برخی از منتقدان گفته‌اند که برخورد ضعیف دولت با عاملان تجاوز به کودکان باعث شده که موارد این‌گونه خشونت‌ها افزایش پیدا کند. (بی‌بی‌سی)

شولگره می‌گوید که پولیس در مورد قضیه تحقیقات ابتدایی را انجام می‌دهد و به‌زودی پرونده‌ی آن را به دادستانی خواهد سپرد. در سال‌های اخیر موارد متعددی از تجاوز جنسی به کودکان و آزار جنسی آن‌ها در بخش‌های مختلف افغانستان گزارش شده‌اند. در یکی از خبرسازترین این رویدادها حدود یک ماه پیش، در ولسوالی رستاق ولایت تخار مردی به یک دختر سه ساله تجاوز کرد. این دختر

مقام‌های محلی بلخ در شمال کشور می‌گویند که یک جوان به یک دختر پنج ساله در ولسوالی شولگره‌ی این ولایت تجاوز کرده است. سراج‌الدین عابد، ولسوال شولگره به بی‌بی‌سی گفت که این رویداد دو روز پیش در روستای «مهاجر قشلاق» رخ داده و اکنون مردی که متهم به این تجاوز است، بازداشت شده است. وی می‌گوید که فرد بازداشت شده ۱۹ سال دارد. ولسوال

### دختر نوجوانی در هلمند با چاقو کشته و به رویش اسید پاشیده شد



نوع خشونت خانوادگی روبه‌رو شده‌اند و ۶۲ درصد آن‌ها از انواع خشونت‌های خانوادگی رنج می‌برند. یافته‌های این سازمان هم‌چنین نشان می‌دهند که تنها ۴۵ درصد زنان در افغانستان آزادی انتخاب دارند و ۸۵ درصد زنان مستعد کار، بیکارند. (بی‌بی‌سی)

اجتماعی در جامعه‌ی مردسالار افغانستان است. با آن‌که نهادهای گوناگون مدافع حقوق زنان در سیزده سال اخیر تلاش‌های زیادی را برای محو خشونت با آن‌ها به‌راه انداخته‌اند، هنوز آمار در این مورد بسیار درشت است.

اخیراً سازمانی موسوم به اکشن اید گزارش داد که ۸۷ درصد زنان افغان دست‌کم با یک

قتل رسانده، اما دکتر بارک می‌گوید، احتمال دارد که «عدم آگاهی از قانون و رسوم ناپسند اجتماعی» در قتل این دختر نقش داشته باشد.

به‌دنبال انتشار خبر قتل این دختر، محمد بلال صدیقی، رییس کمیسیون حقوق بشر در ولایت هلمند از خشونت «نگران‌کننده» و گسترده علیه زنان در این ولایت خبر داده است. آقای صدیقی گفت که انواع خشونت علیه زنان در این ولایت اعمال می‌شود که برخی از این خشونت‌ها بسیار شدید اند.

به گفته‌ی او، از آغاز سال جاری تا حال ۲۵۳ مورد خشونت علیه زنان در هلمند ثبت شده که افزایش ۳۰ درصدی را نسبت به سال گذشته در زمان مشابه نشان می‌دهد. رییس دفتر حقوق بشر هلمند افزود که آمار خشونت با زنان در این ولایت در سراسر سال گذشته به ۳۳۰ مورد رسیده بود.

خشونت با زنان از مشکلات گسترده‌ی

## برگزاری دومین جشنواره‌ی فیلم‌های مستند افغانستان در استکهلم

به ابزارهای پیشرفته و پایین بودن هزینه‌ی فیلم‌های مستند است.

سینمای مستند افغانستان پس از فروپاشی رژیم طالبان وارد مرحله‌ی تازه‌ای شده است و خیلی‌ها تلاش کرده‌اند چالش‌هایی که در کشور وجود دارند و آن‌چه در سال‌های قبل بر سر مردم آمده را به روی پرده‌ی سینما بکشانند.

هرچند مستندسازان زیاد خارجی در سیزده سال گذشته وارد افغانستان شدند و در بخش‌های مختلف اقام به ساخت مستند کردند؛ اما بصیر سیرت می‌گوید که دید یک فیلم‌ساز افغانستان تا یک شهروند خارجی تازه آمده به کشور، تفاوت زیادی دارد.

او گفت: «دید کارگردان‌های بین‌المللی به موضوع افغانستان دید بالا به پایین است و گاهی فیلم‌ها بدون تحقیق و بررسی مسایل تاریخی و اجتماعی تولید می‌شوند. اما فیلم‌سازان افغانستانی با موضوعات فیلم‌های‌شان زندگی می‌کنند. آن‌ها درک عمیقی از شرایط و وضعیت کنونی اجتماع دارند.»

(بخدی)

**رشد سینمای مستند در افغانستان**

فیلم‌های زنده بمان از صدیقه رضایی ساکن فرانسه، معلم من درایور یک تاکسی است از جمال‌الدین آرام، زندگی یک زن نانوا در کابل از فاطمه حسینی، روی خط فراموشی در باره‌ی مهاجرت افغان‌ها در ایران که در افغانستان و ایران فیلم‌برداری شده و کهن یادگار سرزمین آذر از سمیع‌الله عطایی در میان ۱۲ فیلم برتر هستند.

بصیر سیرت می‌گوید که در مقایسه با وضعیت عمومی سینمای افغانستان، سینمای مستند در سال‌های اخیر رشد فوق‌العاده‌ی داشته است. او گفت: «دلیل این رشد، توجه رسانه‌های بین‌المللی به موضوع افغانستان، ظرفیت آموزشی بالا در عرصه‌ی سینمای مستند و برگزاری کارگاه‌های آموزشی حرفه‌ای برای فیلم‌سازان جوان است که این رشد شامل دو بخش محتوایی و ساختار تکنیکی فیلم می‌شود.»

سیرت اما می‌گوید که فیلم‌سازان افغانستان تا رسیدن به سطح کیفی سینمای مستند جهان، فاصله‌ی زیادی دارند و یکی از چالش‌های اصلی بر سر راه مستندسازان افغان، عدم دسترسی آن‌ها

و بهترین فیلم کارگردان بین‌المللی با موضوع افغانستان را انتخاب خواهند کرد.».

این جشنواره از سوی اتحادیه‌ی سراسری شهنامه و صلصال برگزار شده است و اهداف مرکزی استکهلم، گروه هستی مدیا، مرکز فوتوژورنالیزم چشم سوم، وارن پاریس، مؤسسه‌ی مستندسازان افغانستان و خبرگزاری بخدی همکاران این جشنواره هستند.

این جشنواره از تاریخ ۱۲ تا ۱۴ دسامبر در سالن بزرگ «زیتا» در اِبه‌اف مرکزی شهر استکهلم برگزار می‌شود. محمد حسین محمدی، حامد عزیزاده، بصیر سیرت، مریم ابراهیمی، فیلم‌ساز ایرانی، مریکا و یوهانسون، فعالان امور رسانه‌ای در فنلند و سویدن اعضای هیأت داوران این جشنواره هستند.

این جشنواره با هدف رشد و توسعه‌ی هنر مستندسازی در افغانستان، جست‌وجوی بازار و ایجاد ارتباطات میان فیلم‌سازان داخل و خارج کشور آغاز به‌کار می‌کند و برگزارکنندگان آن انتظار دارند که همه‌ساله این جشنواره راه‌اندازی کنند.





سه‌شنبه

۱۸ قوس

۱۳۹۳

سال سوم

شماره ۷۲۸



## موفقیت داعش،

# منبع الهام برای برخی دانشجویان افغانستان



## خبرگزاری رویترز - حامد شالیزی برگردان: جواد زاولستانی

دانشجوی ساکتی در دانشگاه کابل، عبدالرحمان، رویایی در سر دارد؛ به گروه دولت اسلامی (داعش) در سوریه بپیوندد و برای تأسیس خلافت جهانی اسلام بجنگد. این نوع تندروی در کشوری خسته از جنگ، هشداردهنده است.

او که ۲۵ ساله است، می‌پرسد: «وقتی صدها خارجی، هم زن و هم مرد، زندگی راحتشان را ترک می‌کنند و به داعش می‌پیوندند، پس ما چرا به آن‌ها نپیونددیم؟»

با آن‌که به نظر نمی‌رسد دولت اسلامی در افغانستان عملیاتی داشته باشد، نفوذ آن‌ها در کشوری که هر روز در باتلاق حمله‌های شورشیان طالب فرومی‌رود، در حال افزایش است. با خروج اکثر سربازان رزمی خارجی از افغانستان تا پایان سال جاری، با ظهور ایدیولوژی داعش، خطر دیگری برای این کشور اضافه شده و بی‌اطمینانی در باره‌ی این‌که افغانستان به کدام‌سو خواهد رفت، افزایش یافته است.

امسال در حدود سی تا چهل دانشجو، چند ماه بعد از نفوذ داعش در آسیای مرکزی و جنوبی، یک گروه زیرزمینی شکل دادند. تعدادی از آنان پیش از این، به سوریه سفر کرده‌اند. چندین گروه تندرو در مناطق قبایلی بین افغانستان و پاکستان به دولت اسلامی بیعت کرده‌اند. برگه‌های تبلیغاتی آنان توزیع شده و گفته می‌شود که بعضی از فرماندهان محلی جنگ‌جویان گفته‌اند که با اعضای دولت اسلامی دیدار داشته‌اند. اما این گروه مخفی دانشجویان واضح‌ترین نمونه‌ی نفوذ خیلی گسترده‌ی دیدگاه‌های گروه دولت اسلامی است. گل رحمان، دانشجوی دیگری است که پرچم گروه دولت اسلامی را پس‌زمینه‌ی صفحه‌ی موبایلش انتخاب کرده است. او می‌گوید: «چندین تن از دانشجویان که با ما نزدیک هستند، به سوریه رفته‌اند تا به‌خاطر یک هدف مقدس به برادران ما در آن‌جا بپیوندند.»

گروه دولت اسلامی یک گروه خشونت‌ورز سنی است که مناطق بزرگی را در عراق و سوریه کنترل می‌کند. این گروه در ماه جون سال جاری، تأسیس خلافت اسلامی را اعلان کرد.

گروه دولت اسلامی نیز اعلان کرده است که قصد دارد افغانستان، پاکستان و هند را زیر کنترلش بیاورد. با این وجود، منابع امنیتی به رویترز گفتند که تا کنون هشت نفر از افغانستان به سوریه سفر کرده‌اند. از میان این هشت تن، دو خواهر از دانشگاه کابل از طریق فیس‌بوک جذب دولت اسلامی شدند و اکنون در سوریه هستند.

در مقایسه با هزارها تن که از اروپا جذب دولت اسلامی شده و اکنون در صفوف آن می‌جنگند، این گروه دانشجویان کوچک است و نفوذ دولت اسلامی در جنوب آسیا تا کنون در مراحل ابتدایی‌اش قرار دارد.

### دل‌سردی از طالبان؟

این دانشجویان که در یک چای‌خانه، دور از محیط دانشگاه صحبت می‌کردند و در صورت شناسایی شدن، ترس از دست‌گیری داشتند، گفتند که آنان از موفقیت داعش در خاور میانه الهام گرفته‌اند و به آن به دیده‌ی بهترین فرصت برای آوردن آسیا زیر حکومت اسلامی می‌نگرند.

آن‌ها گفتند که می‌خواهند نام‌های‌شان ذکر شوند؛ چون نام‌های آنان در افغانستان آن‌قدر معمول اند که مقام‌های امنیتی قادر نیستند آن‌ها را شناسایی کنند. دانشگاه کابل از مدت‌ها به این‌سو، دیگ جوشان دیدگاه‌های تندروانه بوده است - هم در زمان اشغال شوروی که دانشجویان در آن جانب شورشیان را گرفته بودند و هم بعدتر در دهه‌ی ۱۹۹۰، زمانی که طالبان قدرت را در دست گرفتند.

اکنون به نظر می‌رسد که ایدیولوژی داعش در حال گسترش است. اما شواهدی وجود ندارد که نشان دهند، تمایل و گرایش به این گروه از تجمع‌هایی که در آن دانشجویان در باره‌ی دولت اسلامی بحث می‌کنند و روی دیوارهای دانشگاه به طرف‌داری از آن شعار می‌نویسند، فراتر رفته است. هیچ یک از مردانی که رویترز با آنان دیدار کرد، مسلح نبودند و هیچ یک از آنان تمایل آغاز حمله در داخل افغانستان را نداشتند.

رحیم و رحمان گفتند که آنان می‌خواهند در سوریه و عراق جنگ کنند؛ چون دولت اسلامی تاکنون حضورش در افغانستان آن‌قدر قوی نیست که بتواند نیروهای مسلح دولت افغانستان و خارجی را به چالش بکشد. رحیم که ریش انبوه دارد و بروتش را تراشیده است، گفت: «طالبان بیش‌تر یک جنبش سیاسی است؛ اما داعش کاملاً یک جنبش اسلامی است.» آن‌ها گفتند که طالبان برای به‌دست گرفتن مجدد قدرت، چانس خیلی کم دارند و بیش‌تر هم‌نوا با منافع ملی پاکستان است تا آرمان‌های مذهبی آنان.»

با وجود وابستگی‌های تندروانه، محوطه‌ی دانشگاه کابل جایی است که در آن دانشجویان پسر و دختر مختلط هستند و در عین زمان، علمای مذهبی محافظه‌کار در آن درس می‌دهند. رییس‌جمهور اشرف غنی، قبلاً رییس این دانشگاه بود.

«بمب زمانی»

اداره‌ی استخبارات افغانستان، ریاست امنیت ملی، وجود «شبهک‌های سیستماتیک و سازماندهی‌شده» در میان دانشجویان کابل را رد می‌کند؛ اما می‌پذیرد که دولت اسلامی در تلاش جلب پشتیبانی است. حبیب صدیقی، سخنگوی ریاست امنیت ملی افغانستان گفت: «هرکس که با این گروه ارتباط داشته باشد، دست‌گیر خواهد شد.»

مقام‌های دولت افغانستان نگران اند که دولت اسلامی که یک گروه شدیداً ضدشیعه است، خشونت‌های فرقه‌ای را در این کشور شعله‌ور سازد. در سال‌های اخیر، در افغانستان از خشونت‌های مذهبی جدا پرهیز شده است. رحیم از ولایت شرقی کتر است. این ولایت کوهستانی با مناطق قبایلی پاکستان هم‌سرحد است که پایگاه طالبان و القاعده در منطقه می‌باشد.

رحیم به ما گفت که ده‌ها شاگرد از گروه دولت اسلامی پشتیبانی می‌کنند. اما مقام‌های دولت افغانستان شمار این دانشجویان را بین چهل تا پنجاه تن می‌دانند.

این دانشجویان با استفاده از نوشته‌های خشونت‌آمیز فیس‌بوکی، در تلاش اند که از شهرهای بزرگ افغانستان که به اینترنت دسترسی دارند، سربازگیری کنند. صفحه‌های آنان هرکدام، صدها دنبال‌کننده (follower) دارند. مقام‌های امنیتی می‌گویند که ۱۴ دانشجو که با گروه دولت اسلامی ارتباط داشتند، بازداشت شده‌اند. یک زن که مدیریت یک صفحه‌ی فیس‌بوک را به عهده داشته است، شامل بازداشت‌شدگان است.

بعضی از استادان دانشگاه از افزایش بنیادگرایی و تندروی در محیط دانشگاه کابل اظهار نگرانی کردند. در دانشگاه کابل، گرایش ضدغرب در میان دانشجویان قوی است. اکثر آن دانشجویان از مناطق روستایی اند و رنج جنگ ناتو به رهبری ایالات متحده علیه طالبان و القاعده را تحمل کرده‌اند. یکی از استادان که خواست نامش ذکر نشود، گفت: «انان دانشجویان دیگر را به بنیادگرایی می‌کشند، آنان با درس خواندن دختران و پسران زیر یک سقف مخالف هستند و دانشجویان دیگر را به مخالفت علیه خارجی‌ها و دولت افغانستان تشویق می‌کنند.»

«اگر ما نتوانیم این بمب زمانی را کنترل کنیم، به‌زودی، نیروی تخریب آن از کنترل ما فراتر خواهد رفت.»

## نگاهی به ریشه‌های اجتماعی

# افزایش تجاوز جنسی و خشونت با زنان

### بشیر یآوری

سناریوی غم‌انگیز خشونت علیه زنان و تجاوز بر کودکان در این سرزمین پایانی ندارد. جسد خون‌آلود یک دختر جوان در حالی از یک خرابه در ولایت هلمند پیدا شده است که توسط چاقو به قتل رسیده و برای این‌که هوشش پنهان بماند، بر رویش اسید پاشیده شده است. پس از دیده شدن توسط مردم محل، توسط پولیس به شفاخانه انتقال یافته و کسی اظهار نکرده که از اقارب آن دختر می‌باشد. یک دختر پنج ساله سه روز پیش در روستای «مهاجر قشلاق» ولسوالی شولگره‌ی ولایت بلخ از سوی مرد ۱۹ ساله مورد تجاوز قرار گرفت و فرد متجاوز بازداشت شده است و نیز در حدود یک ماه پیش یک دختر سه ساله توسط مردی در ولسوالی رستاق ولایت تخار مورد تجاوز قرار گرفت و پیش از آن‌که از سوی مرد متجاوز به قتل برسد، توسط یکی از اعضای خانواده‌اش نجات یافت. پدر دختر برای دادخواهی مجبور شد که به کابل بیاید و از بیادگرایی که بر دختر و خانواده‌اش صورت گرفته، به رییس جمهوری شکایت کند.

این وقایع تلخ نمونه‌های برجسته‌ی سناریوی خشونت و تجاوز علیه زنان و کودکان می‌باشند. اما رخدادهای خشونت علیه زنان و کودکان عمومیت بیش‌تر از این دارند و به دلایلی چون حفظ آبرو، تهدید از سوی افراد و نزدیکان تجاوزگران و حساسیت‌های اجتماعی، پنهان می‌مانند.

خشونت‌هایی که اخیراً با زتاب رسانه‌ای پیدا کرده‌اند، از نوع خشونت‌های جنسی اند و بیش‌تر در روستاها و جاهایی رخ داده‌اند که سطح سواد و آگاهی در آن پایین است و نیز سنت‌های سخت اجتماعی در آن حاکم می‌باشند. وقوع تجاوز جنسی بر زنان و کودکان در این مناطق، ریشه در روابط

بسته‌ی اجتماعی دارد که حتا روابط معمول اجتماعی در آن بر هنجارهای جنسیتی استوار می‌باشند و تلاش می‌شود که زنان در خانه محصور شوند و مردان نتوانند حتا روی زنان را ببینند و سنت عروسی و ازدواج، بار سنگین اقتصادی می‌طلبد. بر اساس دریافت‌های جامعه‌شناختی، هرچه روابط میان دو جنس (مرد و زن) محدود باشد، گرایش به جنس مخالف بیش‌تر می‌شود و محدودیت بیش‌تر در روابط میان زن و مرد، باعث عقده‌های سرکوفت شده‌ی جنسی و عاطفی شده و باعث بروز اعمال ناهنجار و خشونت‌آمیز می‌گردد. از این‌رو، یکی از عوامل گستردگی خشونت جنسی بر کودکان و زنان در افغانستان که از طرفی سنت‌های سخت اجتماعی در آن حاکم است و از جانب دیگر، یک‌باره این جامعه شرایط بازتر و آزادتری را تجربه می‌کند و مردم تازه به وسایل ارتباط جمعی؛ مانند تلفون، انترنت و شبکه‌های اجتماعی دست یافته و الگوهای جدید روابط اجتماعی و زندگی را از طریق رسانه‌های تصویری در قالب سریال‌ها و برنامه‌هایی که با ارزش‌ها، سطح زندگی و چگونگی روابط اجتماعی جامعه‌ی افغانستان تناسب ندارند، تجربه می‌کنند. باعث گردیده است که هنجارهای متعارف و سنتی زندگی شکسته شوند.

این تناقض در سطح ایده‌آل جامعه و واقعیت زندگی عینی در بستر جامعه، عاملی می‌باشد که ناهنجاری اخلاقی و جنسی را در قالب تجاوز جنسی و خشونت در جامعه افزایش داده است. تناقض میان خواست‌های ایده‌آل و واقعیت‌های اجتماعی در جامعه از تغییرات سریع اجتماعی و اطلاعاتی شدن زندگی بشر که محصول رشد تکنولوژی می‌باشد، سرچشمه می‌گیرد. ارزش‌ها و شرایط بسته‌ی جامعه‌ی سنتی نمی‌توانند

از تأثیرپذیری از آن بدور بمانند و ارزش‌ها و هنجارهای آن با نیازها و خواست‌های به‌روز و جدید زندگی، هم‌خوانی ندارند و نمی‌توانند بدیلی برای الگوها و هنجارهای نوین زندگی باشند. این امر، روزبه‌روز در جامعه‌ی افغانستان بزرگ‌تر می‌شود و به علت سطح پایین فرهنگی و مقابله و ستیز با ارزش‌ها و نیازهای جدید که از طرف سنت‌گرایان صورت می‌گیرد، زمینه‌ی تغییرات اجتماعی را در جامعه کند ساخته است. این تناقض هرچه زمان می‌گذرد، بزرگ‌تر می‌شود و تبعات ناشی از آن، ناهنجاری‌های جدید ارتباطی، اجتماعی و اخلاقی را در جامعه تولید می‌کنند.

تا زمانی که تناقض میان خواست‌های ایده‌آل و واقعیت زندگی اجتماعی کاهش نیابد و تغییرات اجتماعی در هم‌سویی به نیازها، الگوها و شرایط نوین زندگی در جامعه مدیریت نشود و ظرفیت جامعه برای تغییرات سالم پرورده نشود، جامعه زمینه‌ی بیش‌تری را برای تولید ناهنجاری‌های رفتاری و اجتماعی دارد.

پس نتیجه می‌گیرم: عامل اصلی تجاوز جنسی بر زنان و کودکان و سایر ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی که هر روز در جامعه‌ی افغانستان گسترش می‌یابد و بیش‌تر در مناطقی که سطح فرهنگی آن پایین می‌باشد، سیر صعودی می‌پیماید، ناشی از شرایط نامطلوب اجتماعی است و عامل اجتماعی دارد. به این لحاظ، ضرورت است که سطح آگاهی و سواد در جامعه بالا برود و زمینه‌ی تغییرات اجتماعی برای گذر از شرایط سنتی به یک جامعه‌ی پویا و هنجارمند مبدل شود. یا حداقل تناقض میان خواست‌های ایده‌آل و شرایط سخت و نامطلوب اجتماعی کاهش یابد.

## خبرنگار وارثی

هادی دریایی

## حاشیه‌های لشکر کشی به لندن

ناتو دیروز اعلام کرد که مأموریت رزمی‌اش را در افغانستان پایان داده است. این یعنی چه؟ یعنی این‌که مأموران ناتو قبلاً مستقیماً می‌رفتند با طالبان جنگ می‌کردند. از این به بعد، خودشان به جنگ با طالبان نمی‌روند، بلکه نیروهای امنیتی افغانستان را آموزش می‌دهند که چگونه با طالبان یا هر دشمن دیگری بجنگند. هرچند که اکثر ولایت‌های افغانستان، گواه حضور طالبان اند؛ در خیلی از ولایت‌ها، فقط مرکز ولایت توسط دولت اداره و کنترل می‌شود، در حالی که ولسوالی‌ها و مناطق دورافتاده از مرکز ولایت (شهر)، توسط طالبان مدیریت می‌شوند. خوب من شخصاً کاری به این کارها ندارم. (ناچارم که نداشته باشم؛ چون چیزی از من ساخته نیست).

آن‌چه برای من مهم است، این است که چرا ناتو مأموریت رزمی‌اش را پایان بخشیده؟ دلایل زیادی وجود دارند. همیشه وقتی کارشناس زیاد باشد، دلایل زیادی هم طبعاً وجود داشته است. مثلاً یکی می‌گوید که نیروهای امنیتی افغانستان حالا به قدری توانمند شده‌اند که از پس دشمنان این خاک برآیند. دیگری می‌گوید که حضور ناتو و چگونگی مأموریت آن توسط قراردادهای و قانون منظم می‌شود و چون زمان قانونی و قراردادی مأموریت رزمی ناتو به پایان رسیده، بناءً باید مأموریت رزمی‌اش به پایان برسد. اما همیشه یکی دلیل قانع‌کننده برای ملت ارائه می‌کند و در این خصوص این دلیل را آقای سر استاد حاجی پوهاند مشعل‌مل برای مشتاقان دلیل ارائه کرده است. به باور آقای مشعل‌مل، دلیل اصلی پایان بخشیدن به مأموریت رزمی ناتو، لشکرکشی دولت به کنفرانس ناتو می‌باشد. آقای مشعل‌مل می‌فرماید، شما به حواشی این کنفرانس لشکرسوز نگاه کنید، آقای رییس‌جمهور و آقای رییس اجرائیه، هرکدام با لشکر خود، با مقام‌ها و مهمانان و میزبانان مطرح این کنفرانس جدا جدا ملاقات و بعد تصاویر خویش را در صفحات رسمی خود به نشر رساندند و تذکر دادند که ملاقات محترم رییس‌جمهور یا رییس اجرائیه با هیأت همراه با محترم فلانی! مگر این تصویر ماندن و این‌گونه توضیح دادن، به درد ناتو می‌خورد؟ آیا معلومات مفید هم از این تصویر ماندن و فقط اسم بردن، در اختیار ناتو قرار می‌گیرد؟ خوب معلوم است که نه! ناتو از کجا بفهمد که شما وقتی ملاقات کردید، روی چه مشکلی، چه مسئله‌ای، چه موضوعی بحث کردید و به کدام نتیجه رسیدید؟ خود این‌ها که نمی‌گویند. انکار در قانون اساسی آمده باشد که عالی‌جنابان کشور هر وقت به کشورهای خارجی لشکر کشیدند، حق دارند با شخصیت‌ها و مقام‌های بلندپایه‌ی آن کشور دیدار و گفت‌وگو کنند؛ اما حق ندارند کوچک‌ترین توضیحی در خصوص دیدارشان به خورد علاقه‌مندان یا رعیت خویش بدهند، تفصیلات که به هیچ‌وجه! از این گذشته، ناتو اعلام کرده که لشکر افغانستان وقتی به کشورهای دیگر می‌روند، کوشش می‌کنند به زبان انگلیسی صحبت کنند، کاش یاد داشته باشند. یک رقم انگلیسی حرف می‌زنند که آبروی خود را در سرحد ملی سفید می‌برند هیچ، که آبروی ما را هم می‌برند. آخر جامعه‌ی جهانی چه فکر کنند، آن‌ها از ما می‌پرسند که شما در افغانستان چه غلطی می‌کنید، وقتی مقام‌های این کشور نه به زبان خودشان صحبت می‌کنند و نه انگلیسی بلد اند؟ آن‌ها جواب می‌خواهند، ما چطور به آن‌ها قناعت بدهیم که مقام‌های افغانستان گاهی شوق می‌کنند دیگر! قسمت دیگری که ناتو بر آن معترض است، فرار فعالان مدنی است.

البته ناتو نگران خود فعالان مدنی فراری نیست، نگران مقاماتی است که رفتن و برگشتن آن‌ها را ضمانت کرده‌اند. خوش‌بختانه ما به قدری گل به آب دادیم که حالا در هر سفر رسمی، باید یکی در سرحد وزیر ما را ضمانت کند که وقتی به خارج می‌رویم، فرار نمی‌کنیم. اما بعضی‌های ما آن‌قدر بی‌تربیت اند که به محض رسیدن به یک کشور خارجی، مخصوصاً اروپایی، پیش از این‌که به انجام مأموریت خویش فکر کنند، نقشه‌ی فرار را می‌کشند و روزی که قرار است برگردند، ناپدید می‌شوند. ناتو اعلام کرده که اکثر این فعالان مدنی را آدم‌هایی مثل معاون رییس‌جمهور، معاون رییس اجرائی و وزیر ضمانت کرده‌اند، با این جماعت که اصلاً حرف زده نمی‌شود، چه رسد که ما از آن‌ها بخواهیم آن‌ها را برگردانند.

کمیته‌ی سنجش مصارف سفرهای خارجی مقام‌ها اعلام کرده که لشکرکشی در هر صورتش به ضرر افغانستان است. آن‌ها گفته که متأسفانه در زمان حکومت آقای کرزی، مقام‌ها دوست داشتند بچه‌ها و دخترهای دل‌پسند خویش را (برای تفریح) همراه خود به سفرهای خارجی ببرند و این رسم تا این‌جا کار، در حکومت وحدت ملی دو برابر شده؛ چرا که قبلاً یک سرلشکر می‌رفت؛ اما حالا دو سرلشکر می‌رود. آن‌ها گفته که اگر دست‌آورد این لشکرکشی را و هزینه‌ی مدت اقامت این لشکر را بسنجیم، تقریباً یک به هزار می‌شود.

البته یک کارشناس دیگر می‌گوید که رییس این کمیته دلش درد دارد؛ چون بارها به یخن رییس‌جمهور چسبیده بود که وی را با خود ببرد؛ اما آقای رییس‌جمهور چندان علاقه‌ای به وی ندارد و وی را نبرد. بناءً وی حالا وی‌وی کرده روان است. اما این کارشناس، فرارکردن فعالان مدنی و بعضی از ارادل و اوباش دیگر را به‌شدت محکوم نموده و از دولت وحدت ملی به‌صورت مساوی (پنجاه پنجاه) می‌خواهد که در برگرداندن آن‌ها اقدام نماید. این کارشناس می‌گوید که کنفرانس مطبوعاتی کافی نیست، باید به ناتو مأموریت جدید داده شود تا آن‌ها را برگرداند.

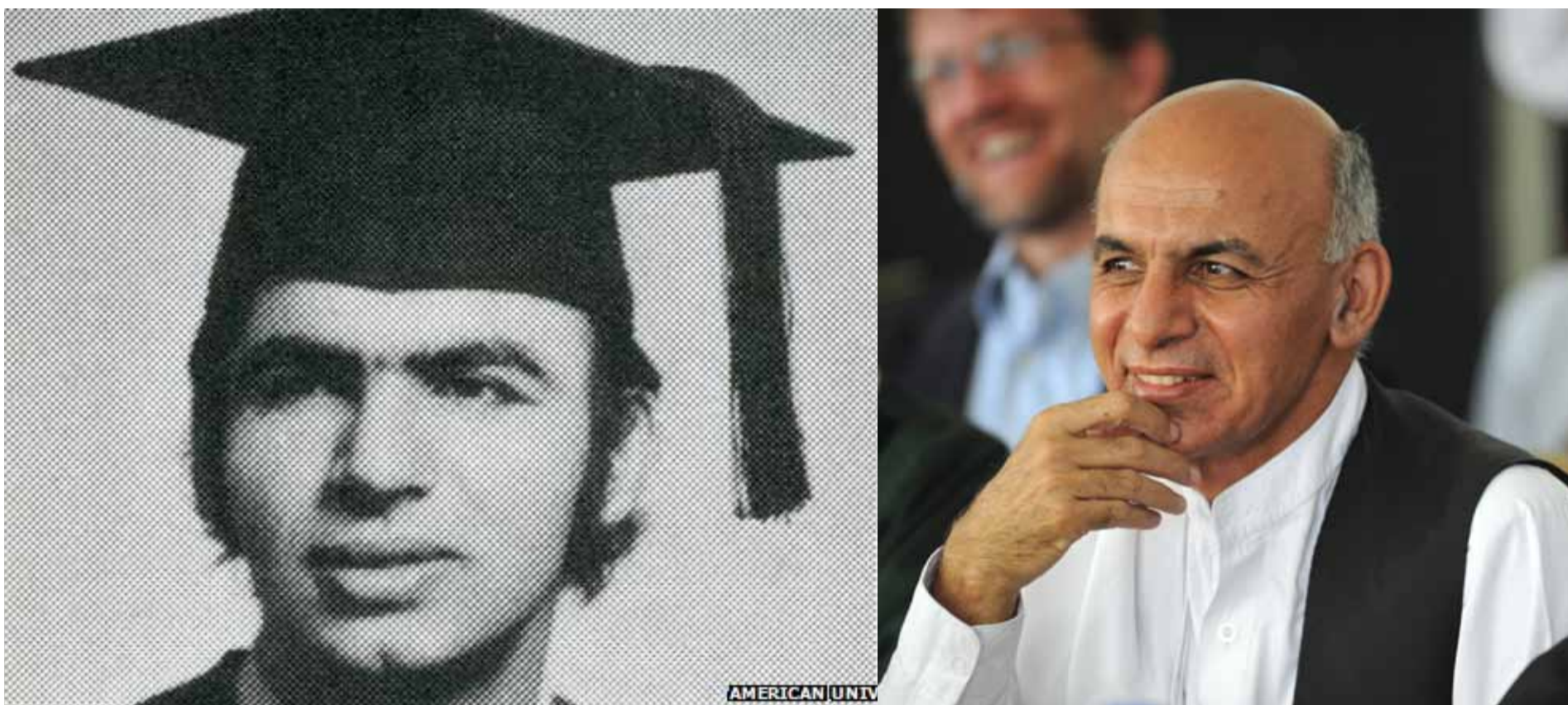


# دگر دیسی اشرف غنی

نویسنده: فریدریک بوبین

برگردان: نسیم ابراهیمی

منبع: روزنامه‌ی فرانسوی زبان لومان



پیش از این اشرف غنی ریش و بروت نداشت. اکنون او ریش گذاشته است، نازک، منظم و با رویت خوب. او قبلاً ترجیح می‌داد کتوشلوار با نکتایی بیوشد؛ اما اکنون خود را در لباس‌های سنتی می‌پوشد و گاهی هم دستارهای قبیله‌ای را به دور سرش می‌پیچد. صدایش متأثرکننده است. بدون شک، اشرف غنی گذشته و حال، از هم خیلی متفاوت اند. در گذشته او با پیشینه‌ی آشنایی با دانشمندان و متفکران هانکانگ و واشنگتن، یک تکنوکرات برجسته و مطرح بود؛ اما اکنون به یک عوام‌فریب پوپولیست مبدل شده است. از قندهار تا قندوز، در میان مردم سخنرانی کرد. در کمپاین‌های انتخاباتی بهار ۲۰۱۴، وی با یک دگر دیسی در میان مردم ظاهر شد. این تظاهر وی در میان مردم، به پیروزی‌اش انجامید. روز دوشنبه، ۲۱ سپتامبر، وی به عنوان رئیس‌جمهور جدید کشور اعلان شد، کشوری که به یک حالت آشفته و کشمکش دائمی گرفتار است. در دنباله‌ی این کشمکش‌ها، کشورهای آسیای میانه، خاورمیانه و نیم‌کره‌ی هند، انگشت اتهام را به سوی هم‌دیگر بلند می‌کنند.

اشرف غنی، ۶۵ سال عمر دارد. او جانشین حامد کرزی شد که ۵۶ سال عمر دارد. از کرزی به عنوان «مرد بازسازی» در افغانستان، پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر، یاد می‌شود. اشرف غنی از وی یک میراث خوب اعتدال را به ارث گرفته است: دروازه‌های مکتب‌ها به روی دختران، گشوده شده‌اند. اما فساد در همه‌جا جریان دارد. طالبان دوباره در پی تحمیل و تطبیق قانون خویش اند، به‌خصوص در مناطق روستایی پشتون‌نشین در جنوب کشور.

در نگاه اول، این دو مرد، از نگاه فیزیکی تشابه زیادی با هم‌دیگر دارند: چهره‌ی حساس و نکته‌سنج، پیشانی کچل و ریش سپید. اما تمام خاصیت‌های رفتاری‌شان از هم متفاوت اند. اشرف غنی، رفتارهای استراتژیکی دارد و حامد کرزی، همواره تاکتیکی رفتار می‌کرد. باورها و اندیشه‌های هر دو، در دو دنیای متفاوت از هم قرار دارند.

## یک رویا برای افغانستان

اشرف غنی در رفتارهایش تند است. او زمانی، از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴، به عنوان وزیر مالیه در دولت کرزی ایفای وظیفه کرده است. این یک دوران طلایی بود. بر اساس پیمان وحدت برای «افغانستان نوین»، همه در ساختار قدرت دولت اشتراک داشتند. همه برای بازسازی و احیای دوباره‌ی این کشور نفرین شده و

ویران، چشم امید بسته بودند. کشوری که از ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۹ توسط اشغال شوروی، سپس از ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۶ در زمان جنگ‌های داخلی و از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ توسط استبداد و خشونت طالبان، تکه تکه شده بود و به یک میدان تاخت‌وتاز مبدل گشته بود. اما روی هم رفته، سرشت رفتاری این دو، با هم تلاقی می‌یابند، با وجودی که تفاوت زیادی در میان است.

در انتخابات ۲۰۰۹، غنی تأثیرگذاری کرزی را نادیده گرفته بود. او در یک مصاحبه‌اش در روزنامه‌ی لومان گفته بود که «کرزی ناکام شد و رویای خویش را فراموش کرد». کرزی در پایان زمامداری‌اش، روابط خویش را با غنی نزدیک ساخت. با وجودی که به‌طور علنی از قصر خود نمی‌توانست برای جانشینی خود از وی حمایت کند؛ اما به‌طور مخفی در به قدرت رساندن و پیروزی در انتخابات وزیر مالیه‌ی دولت خود، نقش مهمی بازی کرد؛ چنان‌چه که به‌طور واضح و آشکار، انتخابات ۵ اپریل و ۱۴ جون به انحراف کشانده شد و در آن تقلب صورت گرفت و حامد کرزی زمینه‌ی بازشماری برگه‌های رای‌دهی را زیر نظر ناظران بین‌المللی فراهم نمود.

رئیس‌جمهور اشرف غنی تلاش دارد زمامداری خویش را در یک فضای آرام ادامه دهد. او می‌خواهد ادعا کند که برای افغانستان یک رویا دارد. این چهره‌ی شناخته شده‌ی جهانی، تیوری‌های سازنده‌ی برای افغانستان دارد، حتا اگر وی در گفتارهای خویش گفتمان‌های آکادمیک را فراموش کند.

اشرف غنی در سال ۱۹۴۹ در کابل متولد شده است. خانواده‌ی وی یکی از خانواده‌های مهم و مشهور قبیله‌ی پشتون می‌باشد. پدرش یکی از مدیران خوش‌نام یکی از کمپنی‌های ترانسپورتی بود. مادرش از خانواده‌ی لودین که وابسته به خاندان شاه‌ی افغانستان است، می‌باشد. اشرف غنی، تعلیمات ابتدایی خود را در لیسه‌ی حبیبیه که یکی از لیسه‌های مشهور کابل می‌باشد، به پایان رسانده است. به گفته‌ی یکی از هم‌کلاسان وی، در سال‌های ۱۹۶۰، زمانی که شور و هیجان‌های انقلابی در کابل موج می‌زد، وی بنا بر شوق و رغبت انقلابی‌ای که داشت، به یکی از جناح‌های کمونیستی پیوست؛ آن‌چه که خودش اکنون آن را رد می‌کند.

## پیروزی در سایه‌ی حمایت کرزی

در میان سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۷۳، اشرف غنی برای ادامه‌ی تحصیل، به دانشگاه امریکایی بیروت رفت.

این زمانی بود که واشنگتن تلاش داشت افراد نخبه‌ی اهل افغانستان را در یک حزب این کشور برای مقابله با اشخاص ماهر و باتجربه‌ای که از سوی مسکو تعلیم یافته بودند، جذب نماید و آموزش دهد. اشرف غنی بدون درنگ به این گروه پیوست و به‌زودی به یکی از چهره‌های مهم «گروه بیروت» مبدل شد که بعداً نقش مهمی را بازی کردند.

اشرف غنی، رولا صادق (Roula Saadé) را که بعدها هردوی‌شان با هم ازدواج نمودند، نیز در مرکز لبنان ملاقت نمود. وی یک لبنانی مسیحی است و تحصیلاتش را در فرانسه به پایان رسانده است. اشرف غنی هنگام برگشت به کشور، رشته‌ی بشرشناسی را در دانشگاه کابل تدریس نمود. وی دوباره در سال ۱۹۹۷ عازم ایالات متحده‌ی امریکا شد. این بار شامل دانشگاه کلمبیا در نیویورک شد و دکترایش را در بخش فرهنگی بشرشناسی از این دانشگاه به‌دست آورد. وی تز دکترایش را در مورد تشکیل حکومت در افغانستان، با عنوان «تولید و حکومت: افغانستان از ۱۷۴۷-۱۹۰۱» به پایان نوشت.

با سقوط رژیم کمونیستی در کابل در سال ۱۹۷۸، وی به مدت ۲۵ سال در ایالات متحده‌ی امریکا اقامت گزید و تابعیت این کشور را نیز به‌دست آورد؛ اما به‌خاطر شرکت در انتخابات سال ۲۰۰۹، از این تابعیت خود دست کشید. وی در دانشگاه‌های جان هاپکینس بالتیمور و برکلی کالیفرنیا تدریس کرده است و نیز در سال ۱۹۹۰ به بانک جهانی پیوست. برعکس آن‌چه که در مورد وی نوشته شده است، وی در این بانک به عنوان بشرشناس و اقتصاددان فعالیت نداشته است، بلکه به عنوان یک مدیر کار کرده است. وی در این زمان درخواست کرد که در کشورهایی که بانک جهانی برنامه‌های خود را تطبیق می‌کند، زمینه‌ی تحقیق پیرامون بشرشناسی در بخش‌های اجتماعی و فرهنگی فراهم شود. وی بر اساس همین برنامه‌اش، در کشورهای آسیای جنوبی، جنوب‌شرق آسیا، چین و روسیه به تحقیق و پژوهش پرداخت. او نتیجه‌ی این تحقیقاتش را در کتابی با عنوان «اصلاحات در کشورهای عقب‌مانده» گرد آورد که در سال ۲۰۰۹، از سوی انتشارات دانشگاه آکسفورد به نشر رسید.

آیا این تحقیقات وی برای افغانستان عقب‌افتاده و ورشکسته کارا واقع خواهد شد؟ آیا برای پیش‌برد امور افغانستان، از آن استفاده می‌کند؟ اشرف غنی در فردای سقوط رژیم طالبان که با مداخله‌ی پرشتاب نظامی امریکا پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر سقوط

داده شد، به افغانستان برگشت. وی یکی از معماران ساخت‌وساز افغانستان که با کمک‌های مالی جامعه‌ی جهانی صورت گرفته است، می‌باشد. او در این زمان تنظیم مالی را در افغانستان به میان آورد؛ اما از نگاه سیاسی، چیزی را نسنجید. وی باید خوش‌حال باشد که در سایه‌ی حمایت کرزی به پیروزی دست یافت؛ چون وی یک تکنوکرات برگشته از غرب است و فاقد مشروعیت جنگ جهادی است. چنین چهره‌ای در میان مردم از مقبولیت چندانی برخوردار نمی‌باشد. چنان‌چه روی همین مورد، یکی از دوستان آلمانی دوران مهاجرتش در بعضی از نمایندگی‌های غربی، او را به تمسخر گرفته بود.

با این وجود، وی برای رسیدن به خواست‌هایش، از هیچ تلاشی ابا نمی‌ورزد. با وجودی که یک فرد با تحصیلات آکادمیک است، تندمزاجی و تندخویی‌اش نگران‌کننده است. وی پس از آن که روابط خود را با کرزی قطع کرد، از وارد شدن به دنیای سیاست ابا ورزید؛ اما تمام وقت برای آینده‌ی خویش برنامه‌ریزی کرد. او پس از آن‌که از پست ریاست دانشگاه کابل برکنار شد، مورد توجه امریکایی‌ها قرار گرفت و از سوی آن‌ها تشویق شد؛ چون آن‌ها از کرزی که یک شخص محبوب و نازدانه‌ی آن‌ها بود، خسته شده بودند. اشرف غنی در انتخابات سال ۲۰۰۹ شرکت کرد؛ اما شکست خورد. این شکست برایش خیلی دردناک بود. او در این انتخابات بیش‌تر از ۳ درصد کل آرای مردم را به‌دست آورده توانست.

## گذشته، گذشته است

ادامه‌ی رفتار کنونی رئیس‌جمهور غنی، خسته‌کننده می‌شود. او باید رفتارهای تکنوکراتی غربی خود را دوباره آغاز نماید. از روستاییان استقبال کند. با وجودی که در رشته‌ی بشرشناسی تحصیل کرده است، اما به جاهای دورافتاده‌ی افغانستان سفر نکرده است؛ ولی حامد کرزی، رقیب دیروز وی، فرصتی برایش فراهم کرد که توانست از سراسر کشور دیدن کند. رئیس‌جمهور پیشین، در فرجام رهبری خویش، با زرنگی و هوشیاری، او را به حیث ناظر انتقال مسئولیت‌های امنیتی از نیروهای ناتو به نیروهای امنیتی افغانستان به‌کار گماشت. اشرف غنی با استفاده از فرصت، در چهار گوشه‌ی کشور از مراکز اداری، امنیتی و فرماندهی‌ها بازرسی و بازدید نمود. او دستمال [قدرت] خویش را با نخ «جرگه‌ی عمومی» به‌خوبی به بافت گرفت. دگر دیسی گزینه‌ی خوبی است.

نامزدی او در انتخابات ۲۰۱۴، بسیار عادی بود؛ اما زمانی که عبدالرشید دوستم ازبیک‌تبار، یکی از فرماندهان مشهور جنگ از وی اعلان حمایت نمود، همه را شگفت‌زده کرد. آیا دگر دیسی فراتر از این هم می‌رود؟ دوستم یکی از چهره‌های مشهور جنگی در جنگ‌های دهه‌ی ۹۰ است. تنها نفوذ وی در دسته‌ی ورشکسته‌ی غنی، توانست وی را به موفقیت برساند. رشید دوستم توانست که در انتخابات از آدرس ازبیک‌ها یک میلیون رای برای تیم اشرف غنی به‌دست بیاورد. رئیس‌جمهور غنی از وی به‌طور قاطع حمایت کرد و گفت: گذشته گذشته است؛ اکنون فرماندهی جنگ تغییر کرده است. آیا وی از جنایت دیروز خود معذرت نخواسته است؟

این است نتیجه‌ی «دگر دیسی» که در پیروزی سیاست قومی نقش مهمی را بازی می‌کند. این برندگی بازی را حامد کرزی برای اشرف غنی مشوره داده بود؛ چنان‌چه که بر اساس همین سیاست قومی، اشرف غنی پسوند «احمدزی» را به‌نامش افزوده بود. احمدزی، یک پسوند نام قبیله‌ای است؛ با وجودی که ریشه در کوچی‌گری دارد؛ اما به‌طور غیرمستقیم، نشان‌دهنده‌ی هویت پشتونی نیز می‌باشد. وی در زمان پیکارهای انتخاباتی دور دوم انتخابات، همه‌ی چهره‌های قومی را که اکثراً در جنوب کشور نقش مهمی را بازی می‌کردند، به دور خود جمع کرده بود. این کار وی برای مقابله با ائتلاف فارسی‌زبان‌های تاجیک و هزاره که توسط رقیب انتخاباتی وی، عبدالله عبدالله ایجاد شده بود، انجام شد. این ساختار شکننده‌ی قومی-جغرافیایی، یک انحراف سیاسی را به میان آورد. مشاجره و منازعات روی تقلب‌های انتخاباتی، وضعیت را بیش‌تر از پیش پیچیده و بغرنج ساخته است.

دولت آقای غنی باید در گام نخست، افراد غیرمسئول را که با خود سلاح حمل می‌کنند، خلع سلاح کند. احیای اقتصاد مردمی افغانستان و ایجاد هم‌دلی با جامعه‌ی جهانی که از افغانستان خسته شده‌اند، از کارهای اساسی رئیس‌جمهور غنی اند که باید به‌طور قاطع اجرا شوند. تنها تیوری‌پردازی در مورد «کشورهای شکست‌خورده» برای بهبود وضعیت، ره به‌جایی نمی‌برد. مردم افغانستان پس از این همه ناامیدی، چشم‌امید به‌سوی دولت اشرف غنی بسته‌اند، تا نفس راحتی بکشند. مردم به این باور اند که اشرف غنی آخرین شانس‌شان در مقابل تهدیدهای طالبانی که همیشه در کمین اند، می‌باشد.



# وعده‌خلافی ما به زنان افغانستان

منبع: الجزیره

نویسنده: جان اگلند، دبیر کل اداره‌ی مهاجرت ناروی - مجله‌ی تایمز  
در سال ۲۰۰۶ او را در جمله‌ی «صد مرد تأثیرگذار در جهان» قرار داد.

برگردان: حمید مهدوی



خانواده‌ی شان را با خود ندارند؛ آن‌هایی که طلاق گرفته‌اند، به حال خودشان رها شده‌اند و از سوء استفاده فرار کرده‌اند، یا آن‌هایی که از شوهران معیوب‌شان مراقبت می‌کنند، به‌طور ویژه‌ی آسیب‌پذیر اند.

همان‌طوری که جنگ راه‌حل موقتی و کوتاه‌مدت ندارد، برای چندین دهه نقض حقوق زنان نیز راه‌حل آسانی وجود ندارد. احتمال این که زنان بیش از شوهران و برادران‌شان محروم باشند، بسیار زیاد است و بسیاری از آن‌ها با فقر شدید، خشونت‌های فیزیکی و روانی، بی‌سوادی و تبعیض در تمام جنبه‌های زندگی مواجه اند. هنوز نسبت به کار و ادامه‌ی تحصیل زنان ننگ اجتماعی عمیق وجود دارد.

## بی‌خبر از حقوق

بسیاری از زنان افغان از حقوق‌شان آگاه نیستند و صدای آن‌ها بسیار به‌ندرت شنیده می‌شود. افتخار می‌کنم که اداره‌ی مهاجرت ناروی مستقیماً با هزاران زن در سطح عام کار می‌کند تا حقوق قانونی‌شان را به آن‌ها بیاموزاند و به آن‌ها کمک کند تا آغازگر سیستم‌ها و روندهایی باشند که هنوز اغلب اوقات علیه آن‌ها تبعیض قابل اند.

با این حال، با وجود این نیازها و با وجود دست‌آوردهای ضعیف در زمینه‌ی حقوق زنان، کمک‌های بشردوستانه‌ی بین‌المللی به افغانستان واقعا رو به کاهش اند. در سال ۲۰۱۴، سازمان ملل متحد با تصدیق این که کمک‌کننده‌ها وجوه کافی برای درخواست‌های بزرگ‌تر را در اختیار این سازمان قرار نخواهند داد، درخواست این سازمان برای کمک‌های بشردوستانه، ۱۴ درصد کاهش یافت.

ایالات متحده که تاکنون بزرگ‌ترین کمک‌کننده‌ی افغانستان بوده است، کمک‌های انکشافی‌اش در سال ۲۰۱۴ را به نصف کاهش داد. برنامه‌ی جهانی غذا در ماه اگست اعلام کرد که کسر ۴۰ میلیون دلاری وجوه به این معنا است که آن‌ها وادار شده‌اند، جیره‌ی غذایی را کاهش دهند و این بدان معناست که کمبود غذا احتمالاً رو به افزایش است. ما اغلب اوقات می‌شنویم که مکتب‌های دخترانه به دلیل قطع کمک‌ها با خطر مسدود شدن مواجه اند. در حالی که شریکان بین‌المللی بار دیگر تعهد کرده‌اند که از افغانستان حمایت کنند، این باید با همکاری درازمدت کمک‌کننده‌ها هم‌خوانی داشته باشد.

برای این که افغانستان به یک کشور شگوف، آزاد و امن تبدیل شود، کشورهای جان باید با حمایت کامل از حقوق زنان، یک سلسله وعده‌های واقعی بدهند، به‌شمول رسیدگی به ضروری‌ترین نیازهای انسانی. افغان‌های عادی، به‌ویژه زنان، باید مطمئن شوند که «تحول»، معادل کاهش علاقه‌ی جهان یا کاهش توجه به زندگی آنان نیست. ما هیچ پهنای نداریم: ما می‌دانیم که چه کاری باید انجام شود.

همان‌طور که جنگ راه‌حل موقتی ندارد، برای چندین دهه نقض حقوق زنان نیز راه‌حل انسانی وجود ندارد. رهبران بین‌المللی در هفته‌ی جاری در کنفرانس لندن گرد هم آمدند تا در مورد مسایل افغانستان بحث کنند و ما بار دیگر بیانه‌های مشابه در مورد حمایت از افغانستان و تجدید تعهدات به مردم این کشور، به‌ویژه زنان و دختران را شنیدیم. شریکان بین‌المللی افغانستان وعده دادند که کمک‌شان به کشور را در طول «دهه‌ی تحول» ادامه خواهند داد؛ اما آن‌ها هم‌چنین تأکید کردند که با تکمیل شدن مأموریت نظامی ناتو، انتظار دارند افغانستان سر پای خود بایستد.

این پیام، خوبی‌های خود را دارد. کمک‌کننده‌های بین‌المللی با اعطای میلیاردها دلار به افغانستان، در چارچوب کمک‌های خارجی، سخاوتمند بوده‌اند. در جریان خشونت‌ها، تعداد بی‌شماری از افغان‌ها و خارجی‌ها جان‌های‌شان را از دست داده‌اند. با تکمیل شدن انتقال نظامی، در افغانستان نیز حکومت جدیدی تحت ریاست جمهوری اشرف غنی به‌وجود آمده است؛ اشرف غنی که برای کشورش آرزوهای بلندی دارد و در زمینه‌ی حمایت و توان‌مندی زنان و دختران تعهدات قوی کرده است.

من نیز به عنوان کسی که به‌طور منظم از این کشور جنگ‌زده دیدار می‌کنم، باور دارم که افغانستان استعداد، انعطاف‌پذیری و تمایل به تغییر از فقر به شگوفایی را دارد. در افغانستان دست‌آوردهای چشم‌گیری وجود دارند که اغلب نادیده گرفته شده‌اند. در زمان حاکمیت طالبان، سال‌ها، افغانستان کشور فراموش‌شده‌ی جهان بود. نقض حقوق بشر بومی بود و با سرازیر شدن میلیون‌ها تن از مردم این کشور به عنوان پناهنده به ایران و پاکستان، از جمعیت این کشور کاسته شد. زنان از مکتب و کار بازداشته شدند و به ازدواج‌های زودهنگام وادار شدند. امروزه، بسیاری از پناهندگان به کشورشان بازگشته‌اند. میلیون‌ها دختر به مکتب می‌روند و تعداد بی‌شماره‌ی از زنان تحصیلات عالی‌شان را فرامی‌گیرند. اکنون در افغانستان رهبران فرهیخته‌ی سیاسی، پولیس و قاضی زن وجود دارند و برای نخستین بار در موراکی جوانش، افغانستان یک بانوی اول برجسته و فعال دارد که از حقوق بی‌جاشدگان داخلی کشور دفاع می‌کند.

## کارهای ناتمام

اما همان‌طور که به پیشرفت اذعان می‌کنیم، این را نیز باید بپذیریم که در افغانستان کارهای ناتمام نیز داریم. ویرانی چهل سال جنگ، راه‌حل موقتی ندارد و مردم افغانستان هنوز مبارزه می‌کنند. هم‌زمان با این که نیروهای خارجی آماده می‌شوند تا افغانستان را ترک کنند، سازمان من (Norwegian Refugee Council)، برنامه‌های بشردوستانه‌اش برای کمک به تعداد رو به افزایش بی‌جاشدگان داخلی را توسعه می‌دهد. صرف در سال ۲۰۱۴، ۱۲۰ هزار تن از افغان‌ها به دلیل خشونت‌ها از خانه‌ها و اجتماعات‌شان فراری شده‌اند. این بی‌جاشدگان افغان، که اغلب به کمک‌های فوری نیاز دارند، بیش‌تر در کابل و دیگر شهرها تجمع می‌کنند، جاهایی که بی‌جاشدگان معتقدند کمک‌ها در دسترس‌شان خواهند بود.

با این وجود، همان‌طور که من سال گذشته در اطراف خانه‌های متزلزل و بیش از حد مزدخم بی‌جاشدگان قدم زدم، واضح است که نیازهای آن‌ها برآورده نشده‌اند. برعکس، تعداد آن‌ها رو به افزایش است و زنان تقریباً همیشه بیش از دیگران رنج می‌برند.

زنان افغانی که من با آن‌ها دیدار کردم، از اولویت‌شان مبنی بر یافتن یک‌جای امن برای زندگی در دیاری که هنوز در محاصره‌ی خشونت است، سخن گفتند. آن‌ها از چالش‌های بی‌شماری سخن گفتند که هنگام یافتن شغل برای اعضای خانواده‌ی‌شان، یا کسب درآمد کافی در کشوری که بیش از یک‌سوم جمعیت آن زیر خط فقر قرار دارند، با آن‌ها مواجه شده‌اند. تعداد زیادی نگرانی‌های‌شان در زمینه‌ی تأمین غذا برای خانواده‌های‌شان را با من در میان گذاشتند، نگرانی‌ای که با در نظر داشت این حقیقت که هم اکنون ۱,۲ میلیون کودک این کشور از سوء تغذی رنج می‌برند، بیش از همه هشداردهنده است. زنانی که حمایت یک عضو مرد

# چهارک

یادداشت‌های سخیداد هاتف

## فعلاً بادش را داشته باشید

امروز می‌خواهم یکی از ابیات دوست عزیزم شمس‌الدین حافظ را در پرتو تحولات جدید کشور برای‌تان تفسیر کنم.

بیت این است:

آن همه ناز و تنعم که خزان می‌فرمود

عاقبت در قدم باد بهار آخر شد

البته یک توضیح کوچک هم بدهم که چرا از شعر حافظ مدد می‌جویم. می‌دانیم که حافظ مدت‌ها پیش در یک قرن دیگر زندگی می‌کرد. اما این را هم می‌دانیم که او پیشاپیش می‌فهمید که چند قرن بعد فارسی‌زبان‌ها و حتا دری‌زبان‌ها، می‌آیند و سوال خود را از دیوان او می‌پرسند. آن وقت او هم باید پاسخی آماده داشته باشد. این است که دیوان حافظ همه‌ی پاسخ‌ها برای تمام پرسش‌های بشر را در سینه‌ی خود نهفته دارد. سینه‌اش هم که چاپ شده و در دسترس عموم هست. البته کتاب دیگری هم هست که همین خصوصیت را دارد؛ اما چون شعر نیست، زیاد مزه نمی‌دهد. به هر حال.

در بیته‌ی که آوردم، حافظ به این سخن محمد اشرف غنی، رئیس‌جمهور ما اشاره دارد که گفت، در کابینه‌ی جدید همه‌ی چهره‌ها نو خواهند بود. حافظ وقتی که می‌گوید، «آن همه»، یعنی این‌که تمام کسانی که در دولت کرسی کار کرده بودند و هر صبح ناز می‌کردند و غسل می‌خوردند، از دولت جدید محروم خواهند شد. توجه کرده‌اید که حافظ در مورد کابینه‌ی قبلی از استعاره‌ی «خزان»، یعنی خزنده استفاده می‌کند. منظورش این است که کسانی که به‌صورت خزنده خودشان را به رئیس‌جمهور می‌رساندند و قباله‌ی زمین می‌گرفتند، یا کرسی را مجبور می‌کردند که نامه‌ی اعطای وام صد میلیون دلاری صادر بفرماید تا در کابل بانک «طبق قانون اجراءات گردد»، دیگر این کارها را نخواهند توانست. یعنی آن همه عیش و غسل و قباله و قرضه عاقبت در قدم باد بهار آخر شد. یعنی از این پس هیچ دیگر. البته توجه کرده‌اید که حافظ می‌گوید، «در قدم باد بهار». حافظ بزرگ خیلی پدرلغت بوده (ببخشید، من که هیچانی شوم، با فحش به پدر افراد از آن‌ها ستایش می‌کنم و این عنعنه‌ی رایجی در ملک ماست). ببینید که با چه مهارتی پیش‌بینی کرده بود که انتخابات ما در فصل بهار برگزار می‌شود. البته این هم هست که می‌گوید باد بهار. یعنی بهار معلوم نیست خودش کی می‌آید. فعلاً که بادش به‌شدت می‌وزد و بروف بروف تلاوم دارد و ممکن است حتا باعث تحول شود (ویراستار پیش‌نهاد داده که به‌جای می‌وزد، می‌رود بگذارم. اما من اساساً به ویراستار و حرف‌هایش باور ندارم).

در ضمن، یادتان هست که مولوی می‌گفت:

گفت پیغمبر به اصحاب کبار

تن می‌پوشانید از باد بهار

همین هفته‌ی گذشته یکی از اصحاب کبار در کابل همین اندرز را به کار بست و تن نپوشانید و به بازار برآمد، چه غوغایی برخاست. البته او باد زمستان را با باد بهار اشتباه گرفته بود. ولی چه فرقی می‌کند؟ باد باد است، چه بهار و چه زمستان.

## هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.





# ۱۰ کشف اتفاقی که جهان را تغییر دادند



یک تاجر زبرک، فروشنده‌ی شیرینی‌ها و نوشیدنی‌ها یا یک خیال‌باف که به دنبال افزایش سرمایه‌ی خود در بازار نوشیدنی‌هاست، نبود. جان پمبرتون، یک داروساز حرفه‌ای بود که در پی ساخت دارویی برای درمان سردرد بود.

او از دو ترکیب اولیه برای تولید داروی سردرد خود استفاده کرد: برگ‌های ککو و میوه‌ی درخت کولا. وقتی دستیار او به‌طور اتفاقی این دو ماده را با آب کاربنات‌دار مخلوط کرد، اولین کوکاکولای جهان ساخته شد. در طول سال‌ها کوکاکولا با دستورالعملی که سری و محرمانه نبود، ساخته می‌شد اما متأسفانه پمبرتون دو سال بعد از این کشف درگذشت و هرگز نتوانست ببیند که مخلوط ساده‌ی او به تولد یک امپراتوری در دنیای نوشابه‌ها منجر خواهد شد.

## رادیو اکتیویته

آبوهوای بد می‌تواند جرقه‌ی یک خوش‌اقبالی و نعمتی غیرمترقبه باشد. در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی، هنری بکرل، دانشمند فرانسوی طی آزمایشی، مشغول کار روی کریستال یورانیم غنی‌شده بود. او معتقد بود، نور خورشید باعث می‌شود تا کریستال یورانیم تصویری از خود روی یک صفحه‌ی عکاسی به‌وجود آورد. از آن‌جا که آن روز هوا ابری بود، بکرل کریستال و فیلم عکاسی را در بسته‌ای پیچید و آن را در کشوی میز خود گذاشت تا آزمایشش را در روزهای آفتابی بعد ادامه دهد. چند روز بعد او کریستال را از داخل کشو برداشت، اما تصویر ایجاد شده روی صفحه‌ی عکاسی، تار شده بود. کریستال پرتوهایی از خود ساطع کرده و باعث تار شدن صفحه‌ی عکاسی شده بود. این پرتوها ضعیف‌تر از پرتوهای ایکس بود که ویلیام رونتگن کشف کرده بود. بکرل نتوانست نامی برای این پدیده بگذارد و این کار را برای دو دانشمند پس از خود، یعنی پیر کیوری و ماری کیوری گذاشت. ماری کیوری بعداً این پدیده را رادیواکتیو نامید.

## ویاگرا

انجینا صدری (ANGINA PECTORIS) نام فانتزی‌ای برای درد قفسه‌ی سینه و به‌طور خاص، گرفتگی عضلانی (اسپاسم) عروق کرونری قلب است. شرکت داروسازی فایزر تابلیتی موسوم به UK۹۳۴۸۰ ساخت تا با کمک به انقباض این عروق درد سینه را کاهش دهد.

این تابلیت نتوانست به هدف اصلی خود برسد؛ اما اثر جانبی و ثانوی آن شگفت‌انگیز بود. این دارو بعدها با نام ویاگرا شناخته شد. شرکت فایزر در سه ماهه‌ی اول سال ۲۰۱۳ توانسته ۲۸۸ میلیون دلار از محل فروش این تابلیت آبی کوچک سود کند.

## غبار هوشمند

جیمی لینک، دانشجوی کارشناسی ارشد کیمیا در دانشگاه کالیفرنیا روی یک تراشه‌ی سیلیکونی کار می‌کرد که تراشه به‌طور تصادفی خرد شد. او به کمک استاد خود کشف کرد که تکه‌های خردشده‌ی تراشه هنوز هم سیگنال ارسال می‌کنند و مانند حسگرهای کوچک عمل می‌کنند. آن‌ها واژه‌ی غبار هوشمند را برای ذرات کوچک خودمونتاز ابداع کردند. غبارهای هوشمند دارای هزاران کاربرد بالقوه بوده و نقش زیادی در حمله به تومورها و از بین بردن آن‌ها بازی می‌کنند. مثال دیگری از کاربرد غبار هوشمند، استفاده از آن‌ها در سطح یک شاهراه و ارسال اطلاعات مختلفی مثل میزان شدت روشنایی و ترافیک به مراکز کنترل است. (جام جم آنلاین)

بهبت‌زده کرد. آن‌ها اختلالات احتمالی ناشی از مناطق شهری، آزمایش‌های هسته‌ای و حتا احتمال زندگی یک کبوتر روی آنتن را حذف کردند؛ اما اختلال پس‌زمینه هنوز هم وجود داشت.

ویلسون و پنزیاس با توجه به نظریه‌ی رابرت دیک که می‌گفت تشعشعات باقی‌مانده از انفجار بزرگ تشکیل‌دهنده‌ی جهان، ممکن است اکنون به عنوان تابش‌های کیهانی پس‌زمینه عمل کنند، در سی‌ام ژوئ ۱۳۴۳ توانستند به‌طور اتفاقی نظریه‌ی دیک را تعبیر کنند.

در همان زمان ۶۰ کیلومتر دورتر از آنتن هولملد در دانشگاه پرینستون دیک و تیمش در حال جست‌وجوی این تابش‌های پس‌زمینه‌ای بودند. زمانی که دیک خبر کشف ویلسون و پنزیاس را شنید، به همکاران پژوهشگر خود گفت: «دوستان ما واقعا از این خبر شگفت‌زده شدیم!» ویلسون و پنزیاس با این کشف موفق به دریافت جایزه‌ی نوبل شدند.

## تفلون

روی پلانکت، دانشمند شرکت محصولات کیمیایی دوپونت در سال ۱۳۱۷ تحقیقات خود را برای ساخت یخچال‌هایی که بیش‌تر به کار مصارف خانگی بیابند، آغاز کرد. این کار با تحقیق روی جایگزینی خنک‌کننده‌های مرسوم که آن زمان آمونیاک، دی اکسیدگورد و پروپان بودند، شروع شد. او پس از باز کردن مخزن مربوط به یک نمونه‌ی خاصی که خودش ساخته بود، متوجه شد که گاز درون مخزن خالی شده است. اما چیزی که برجا مانده بود، بسیار عجیب و غریب بود. زین لغزنده‌ای که در برابر گرمای زیاد و مواد کیمیایی بسیار مقاوم بود.

در دهه‌ی ۴۰ میلادی این ماده‌ی جدید در طرح منهن استفاده شد. پروژه‌ی منهن طرحی بود که منجر به تولید بمب اتم و استفاده از آن در جنگ جهانی دوم شد. استفاده از رایج‌ترین کاربرد این ماده، یعنی تولید ظروف آشپزی نچسب تا دهه‌ی ۶۰ میلادی به طول انجامید.

## رابر عایق هوا

در دهه‌ی ۱۸۳۰ میلادی رابر طبیعی ماده‌ی محبوبی برای تولید کفش‌های ضدآب و چکمه بود؛ اما نبود مقاومت و دوام در برابر سرما یا گرمای زیاد، موجب ناامید شدن تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان شد. این ضعف باعث شد تا برخی بگویند، رابر، آینده‌ای در صنعت نخواهد داشت؛ اما چارلز گودیر مخالف این عقیده بود. پس از یک سال سعی و خطا برای ساختن رابر مقاوم‌تر، این دانشمند به‌طور اتفاقی موفق به بزرگ‌ترین کشف دوران عمر خود شد. در سال ۱۸۳۹ هنگامی که او آخرین آزمایش خود را نمایش می‌داد، به‌طور اتفاقی ترکیب رابری خود را روی اجاق گاز رها کرد. چیزی که او کشف کرد، یک ماده‌ی چرم‌مانند سوخته با لبه‌های کش‌سان بود. این ماده‌ی جدید تبدیل به عایقی در برابر هوا شده بود.

گودیر هرگز نتوانست از مزایا و منافع کشف خود سود ببرد و با ۲۰۰ هزار دلار بدهی، درگذشت. گرچه نام و میراث او با محصولات کارخانه‌های تولید رابر و تایر گودیر که ۴۰ سال پس از مرگ او و اختراع تایر موتور نام‌گذاری شد، برای ما زنده است.

## کوکاکولا

برخلاف چیزی که تصور می‌کنید، مخترع کوکاکولا

افلاطون می‌گوید، علم چیزی جز احساس و مشاهده نیست. نگاهی به اختراعات گذشته نشان داده، انسان گاهی برای کشف‌های جدید، به شانس و تصادف هم نیاز دارد.

در ادامه به ۱۰ اتفاق که به کشف‌های مهمی در زندگی بشر منجر شدند، اشاره می‌کنیم. این واقعیت را نباید از یاد ببریم که دانشمندان پیشرو در زمینه‌های مختلف علمی، زندگی خود را برای ابداع، اختراع یا رسیدن به یک روش درمان جدید وقف کرده‌اند.

## پنی‌سیلین

ماجرای جالب کشف پنی‌سیلین همیشه در تاریخ علم جاودان خواهد ماند و به واسطه‌ی نقش بی‌مانندش در تحول حرفه‌ی پزشکی جایگاه ویژه‌ای خواهد داشت. پنی‌سیلین گروهی از پادتن‌هاست که برای مقابله با انواع عفونت‌های باکتریایی مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع این کشف نتیجه‌ی یک ظرف کثیف بود.

الکساندر فلمینگ، زیست‌شناس اسکاتلندی پس از یک روز کار طاقت‌فرسا در آزمایشگاه و بررسی استافیلوکوک که معمولا با نام استف شناخته می‌شود، مثل هر پژوهشگر دیگری خسته شد و آزمایشگاهش را ترک کرد. این دانشمند باهوش چند روز بعد و به محض بازگشت در دوازدهم سنبله ۱۳۰۷ متوجه قارچ‌های عجیبی روی ظرف کشت باکتری که در آزمایشگاه رها کرده بود، شد.

این قارچ تمام باکتری‌های ظرف کشت را نابود کرده بود. او به این نتیجه رسید، ماده‌ای که باعث تولید کپک شده بود، پانزهر باکتری استافیلوکوک بوده و می‌تواند از رشد بسیاری از باکتری‌های مضر برای انسان جلوگیری کند.

## ماکروفر

گاهی اوقات همه‌چیزی که واقعا نیاز دارید تا قدم بعدی در علم را بردارید، داشتن یک میان‌وعده است. پرس‌ی اسپنسر، یک مهندس امریکایی بود که در شرکت رایتیون (تولیدکننده‌ی تجهیزات نظامی) کار می‌کرد. او وقتی در حال عبور از مقابل یک مگنترون بود، متوجه شد که شیرینی موجود در جیبش ذوب شده است. مگنترون یک لوله‌ی خالی مورد استفاده برای تولید امواج میکروویو یا ریزموج است. اسپنسر در سال ۱۳۳۴ پس از چند آزمایش بیش‌تر که یکی از آن‌ها شامل انفجار یک تخم مرغ بود، توانست با موفقیت اولین ماکروفر را اختراع کند.

اولین مدل‌های اجاق ماکروفر شبیه کمپیوترهای اولیه بسیار بزرگ و حجیم بودند. در سال ۱۳۴۶ ماکروفرهای فشرده و جمع و جور کم کم خانه‌های شهروندان امریکایی را پر کردند.

## ولکرو (پارچه‌ی چسبی یا VELCRO)

جورج دی مسترال، مهندس سوئیس در جریان کوه‌نوردی دید که خارهایی به شلوار و موهای سگش چسبیده اند. در نگاهی دقیق‌تر، متوجه شد که سر قلاب شکل این خارها می‌تواند به هرچیز حلقه‌ای‌شکلی بچسبد. اگر او می‌توانست فقط اشیای حلقه‌ای‌شکل ایجاد کند، ممکن بود به چیز جالبی رسیده باشد.

در نتیجه‌ی این مطالعه، پارچه‌های چسبی یا همان ولکرو پدید آمد. ولکرو در زبان انگلیسی ترکیبی از کلمات مخملی و قلاب‌دوزی است. یکی از مشتریان مهم این محصول در دهه‌ی ۶۰ میلادی، آژانس فضایی ایالات متحده، یعنی ناسا بود. ناسا از این مواد در تهیه‌ی لباس‌های فضانوردان و کمک به اقلام ایمنی در جاذبه‌ی صفر استفاده کرد. پس از آن استفاده از این نوع پارچه همه‌گیر شد. حتا کودکان مکتبی هم قادر بودند بندهای چسبی کفش خود را باز و بسته کنند.

## مهبانگ (BIG BANG)

«چیزهای بزرگ معمولا در آغاز کوچک به نظر می‌رسند.» این جمله نقل قولی از مایکل فاسیندر در فیلم علمی-تخیلی پرومتئوس است. شاید اتفاقی که برای ستاره‌شناسان رادیویی، یعنی رابرت ویلسون و ارنو پنزیاس افتاد، مصداق بسیار مناسب جمله‌ی فاسیندر باشد.

راز کشف نظریه‌ی چگونگی آفرینش کیهان با سروصدا آغاز شد. این دو ستاره‌شناس در حالی که مشغول کار با آنتن هولملد در نیوجرسی بودند، متوجه یک نویز پس‌زمینه‌ای شدند که آن‌ها را



Reza Farzam

تحصیل و آموزش حق تمام انسان‌های این سرزمین است و باید تمام کودکان و جوانان کشور به مکاتب و آموزش‌های عالی دسترسی داشته باشند. اما تراژیدی بزرگ در این وطن، دشمنی بی‌پایان با آموزش و دانش است. متأسفانه، ما همواره تلاش کرده‌ایم گاهی با سوختاندن مکاتب و گاهی با سهمیه‌بندی کانکور، دشمنی خود با دانش را ابراز نموده و زمینه‌ی آموزش را برای انسان این وطن محدود سازیم.

در آخرین مورد، اتحادیه‌ی سراسری استادان دانشگاه‌های افغانستان، از سهمیه‌بندی کانکور حمایت کرده است. من به عنوان یکی از استادان دانشگاه کابل، ضمن مخالفت با این طرح، تصور می‌کنم حمایت از سهمیه‌بندی کانکور، به اندازه‌ی سوختاندن مکاتب جفا و دشمنی در حق انسان این وطن است. بیاییم همه با هم نگذاریم هیچ انسانی در این وطن، از حق آموزش محروم شود!



فالق ابراهیمی

دولت می‌تواند برنامه‌ی جبران مثبت را روی دست گیرد. تبعیض مثبت خود تبعیض آشکار است. گروهی که مورد تبعیض مثبت قرار می‌گیرند، به مرور زمان تنبل و تنبل‌تر می‌شوند. گروهی که تبعیض مثبت روا می‌دارند، به مرور زمان نادم و پشیمان می‌شوند. طرح سهمیه‌بندی کانکور، نوعی تبعیض مثبت برای ولایت‌های ناامن است که دیگران را مورد تبعیض قرار می‌دهد. جبران مثبت اما می‌تواند راه‌گشا تر باشد. دولت حقوق معلمان را در ولایت‌های ناامن افزایش دهد، کتاب و امکانات بیش‌تری برای ولایت‌های ناامن بفرستد؛ اما در صف کانکور همه باید برابر باشند. فرصت برابر و حق انتخاب برابر داشته باشند. این‌گونه شاید بتوان جبران کرد که ضررش متوجه هیچ گروهی از جامعه نشود.

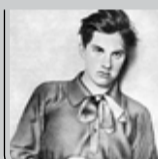
پ.ن: از آموخته‌های جدیدم در کلاس روان‌شناسی سیاسی.



در بستر سایه‌ها

پرا فکرها در نظر دولت مهجور است؟

هر روز مطالب مهم روزنامه‌های کابل را دنبال می‌کنم و تا جایی که حوصله‌ام یاری می‌کند، حاضر نیستم هیچ یک از این مطالب را از دست بدهم. اما از چندی به این سو، مطلبی را که هیچ‌وقت نمی‌خواهم از دست بدهم، ستون «روزنوشت» روزنامه‌ی جامعه‌ی باز است: روزنوشت‌های آقای عزیز رویش. این ستون واقعا خواندنی و مطالب‌اش ستودنی است. من در جریان کارزار انتخاباتی (ریاست جمهوری) نبودم؛ اما طبق شنیده‌ها، عزیز رویش از ابتدای مبارزات انتخاباتی، در کنار اشرف غنی، رییس جمهور فعلی بود و طبق آن‌چه من شنیدم، عزیز رویش به تهنایی منشور تکت انتخاباتی اشرف غنی را نوشت. اما با تشکیل دولت وحدت ملی، غیبت این معلم، تقریباً برای همه سوال‌برانگیز شد که البته شخصاً تا امروز دلیل واقعی این جدایی را نفهمیدم. اما این روزها که دولت وحدت ملی ظاهراً آشفته و سردرگم است و تمام آن شعرهای قشنگ و تظاهرات امیدوارکننده‌ی شخص رییس جمهور، رفته رفته امید مردم را خاکستر می‌کند، عزیز رویش قلم به‌دست گرفته و روزنوشت‌هایش را در باب مسایل حال، با جزئیات ستایش‌برانگیزی می‌نویسد. نوشته‌های او عمیق اند و هرگز نمی‌شود دست‌کم گرفت. او با جزئیات «عمل‌گرایی» دولت و به‌خصوص شخص رییس جمهور را که در ابتدا امیدواری‌های زیادی را خلق کرده بود، به‌باد انتقاد می‌گیرد. واقع‌بینی و دقت و قریحه‌ی روزنامه‌نگاری رویش یک طرف؛ اما من به این واقعیت تکراری غمگین و معترض که چرا و چه عواملی باعث می‌شوند تا یک آگاه سیاسی و یک طراح مثل عزیز رویش، سرانجام نمی‌تواند در کنار تیمی سیاسی باقی بماند که قرار است سکان یک کشور را حداقل برای پنج سال در دست گیرد؟ واقعا دلیل این جدایی چیست و چرا رویش از تمام منصب‌ها و مقام دولتی، محروم باقی می‌ماند و تنها به صفت یک منتقد و نظاره‌گر، با حوصله‌مندی زیاد می‌نویسد و کژی و کاستی‌های دولت را کالبدشکافی می‌کند؟



Ali Amiri

سه نوع مضامین

برابر برداشتها و برآوردهایی که از کتاب مستطاب فیس‌بوک صورت گرفته است، از قلم به قلم شدن‌های من و جناب عبدالعدل دای‌فولادی، عده‌ای از سر کینه خوشحال شده‌اند؛ برخی از سر نازک‌طبعی ملال گرفته‌اند و جمعی از سر دل‌سوزی نگران شده‌اند. کینه‌توزان و بدخواهان خوش باشند که اسب مرادشان زین است. چه به از این که تن خصم به تیر خصم دیگر خسته شود. نازک‌طبعانی را که ملال گرفته‌اند، به ترک تماشای این جدل توصیه می‌کنم. آه و ناله نکنند و نوحه‌ی هزاره مردم و مقاومت را هم نخورند. مطمئن باشند که از این جدل‌ها هیچ آسیبی به هیچ کجا نمی‌رسد. این یک کار عادی است. اگر نویسندگان بین خود بحث نکنند، چه کنند؟ از این گروه نازک‌طبعان یکی به من گفته است که برو وضع تذکره‌ی الکترونیکی را بهبودی بده و دیگری گفته است که به‌جای این کارها، تعداد کارمندان هزاره را در ادارات زیاد کن. هردوی این کارها در توان من نیستند. من کاری را که می‌توانم می‌کنم، و اما گروه سوم که دل‌سوز است و نگران. از دل‌سوزی‌شان ممنون؛ اما نگرانی‌شان بی‌جا است. من هم متأسفم که جناب دای‌فولادی این بحث را با طعم تلخ دشنام آمیخته است. اما باز هم این بحث ضرر ندارد. این بحث محک بسی چیزها است: در این جدال علم و تقوا و صبر و اخلاق محک می‌خورند. موضوع بحث این است که چه چیزی علم است و چه چیزی نیست. آیا کتابچه‌ی دای‌فولادی معرفت تازه به ما می‌دهد یا یک مشت مواظظ اخلاقی است. اگر علم نیست، چرا باید به‌نام علم عرضه شود و اگر چهل است، چطور آن را باید نشان داد. بحث علم و چهل بحث خسته کننده است؛ اما سرنوشت‌ساز هم هست. البته که سرنوشت علم و چهل در این بحث‌ها معین نمی‌شود؛ اما بحث کردن در این‌که چه چیزی علمی است یا نیست، از دغدغه‌ی علم و چهل ناشی شده است و این ارزشمند است. بنابراین، به‌رغم بداخلاقی‌ها، این بحث ارزش ادامه دادن را دارد. به‌زودی جواب من بر دست و دل گروه سوم بوسه خواهد زد. شاد باشید.



## کاسیاس: بارسا در اروپا، رقیب اصلی ما نیست



ریال مادرید در حال حاضر به ادعان بسیاری از کارشناسان، بهترین تیم دنیاست و شانس اول کسب عنوان قهرمانی در چمپیونزلیگ نیز به حساب می‌آید. «ایگر کاسیاس»

دروازه‌بان شماره یک ریال و تیم ملی اسپانیا، در حاشیه‌ی یک مراسم تبلیغاتی برای ادیداس، پاسخگوی سولات خبرنگاران شد. وی در مورد رقبای ریال در این فصل گفت: «عملکرد ریال تا بدینجای فصل استثنایی بوده و ما در فرم واقعا خوبی قرار داریم. در لالیگا، اتلتیکو و بارسلونا رقبای ما هستند و فکر می‌کنم نبرد قهرمانی تا روز

آخر ادامه داشته باشد. در لیگ قهرمانان اما، بایرن و اتلتیکو را رقبای جدی در راه تکرار عنوان قهرمانی‌مان می‌بینم. بارسا پس از این دو تیم قرار دارد». کاسیاس در مورد ادامه‌ی حضورش در تیم ملی نیز گفت: «تا زمانی که دل بوسکه به من شانس حضور در تیم ملی را بدهد، برای اسپانیا بازی خواهم کرد. هیچ چیز لذت‌بخش‌تر از دفاع از دروازه‌ی اسپانیا نیست. به‌خصوص پس از یک جام جهانی بد، یورو ۲۰۱۶ می‌تواند فرصت خوبی برای انتقام باشد».

## بنزما نظر ژابی در مورد کاسیاس را تأیید کرد

ژابی آلونسو ماه گذشته در اظهارنظری عجیب عنوان کرده بود که مانوئل نوبیر، بهترین دروازه‌بانی است که با وی هم‌بازی بوده و برترین در دنیاست. این در حالی است که ژابی سال‌ها با ایگر کاسیاس در تیم ملی اسپانیا و ریال مادرید هم‌بازی بود. در پایان بازی ریال مادرید و سلتاوگو، وقتی خبرنگار «TELE FOOT» در مورد برنده‌ی توپ طلا از بنزما سوال پرسید، او جواب داد: «مسلمنا رونالدو

شایسته‌ترین فرد برای کسب توپ طلاست. با وجود این که نوبیر بهترین دروازه‌بان دنیاست؛ اما فکر نمی‌کنم در مقایسه با رونالدو شانس‌ی برای تصاحب این عنوان داشته باشد». به‌کاربردن لفظ بهترین دروازه‌بان دنیا از سوی بنزما برای توصیف نوبیر، دقیقا مهر تأییدی بود بر گفته‌ی ژابی آلونسو. حال باید دید واکنش کاسیاس در قبال این نظر بنزما چه خواهد بود.

## کارواخال: ریال می‌خواهد قهرمان جهان شود

دنی کارواخال، مدافع ریال مادرید عنوان کرد که تیمش قصد دارد قهرمانی در جام باشگاه‌های جهان را به وترین افتخارات فصلش اضافه کند. ریال سال ۲۰۰۰ در این رقابت‌ها شرکت کرد که به مقامی بهتر از چهارمی نرسید و حال کارواخال مدعی شد که تیمش خواهان قهرمانی در این تورنمنت است. او گفت: «کسب این جام به من انگیزه‌ی فراوانی می‌دهد. خیلی ویژه خواهد بود و البته قهرمان شدن در آن آسان نیست. یک پایان بسیار زیبا برای این فصل خواهد بود. تمامی بازیکنان از اهمیت این جام آگاه

هستند و تلاش بسیاری برای کسب آن خواهیم کرد. حضور در این رقابت‌ها برای من یک رویاست زیرا خیلی سخت تلاش کردیم تا به این‌جا برسیم و می‌خواهیم از آن لذت ببریم». کارواخال سال ۲۰۱۳ پس از یک فصل حضور قرضی در لورکوزن، به ریال بازگشت. او در این رابطه گفت: «هر بار که با پیراهن ریال وارد برنابئو می‌شوم و مقابل هواداران قرار می‌گیرم، موهای بدنم سیخ می‌شود! این‌جا خانه‌ی دوم من است و تمام زندگی من حول ریال مادرید می‌چرخد».

## شواین اشتایگر: به من نگویید قهرمان

دینار نهایی جام جهانی مقابل آرجانتین مربی را گریان در آغوش گرفتم، احساس کردم عدالت اجرا شده است. باز هم از این احساس می‌خواهم». با این حال، او خودش را قهرمان نمی‌داند: «رسانه‌ها همیشه دنبال کسی هستند که اول یا آخر شده؛ این قانون برای من هم اجرا شد. موقعی که در فاینل چمپیونزلیگ ۲۰۱۲ پنانتی سرنوش‌ساز را هدر دادم. قهرمان برای من کسی است که به انسان‌های دیگر کمک کند؛ پزشکان، پرستاران، پولیس‌ها. من هم به سهم خودم تلاش می‌کنم از همه‌ی توانم برای تیمم مایه بگذارم، ولی این ارتباطی با قهرمان محسوب شدن ندارد».

وی در مورد رسیدن به کاپیتانی تیم ملی بعد از خداحافظی فیلیپ لام هم اظهار داشت: «هر روز با فیلیپ حرف می‌زنم و می‌خواهم راضی‌اش کنم دوباره به من مشافت برگردد. ولی تا حالا که موفق نبوده‌ام. اما راستش معتقدم باید به تصمیمش احترام بگذاریم».

## بیل: رونالدو شایسته‌ی دریافت توپ طلاست

گرت بیل، ستاره‌ی ریال مادرید معتقد است که کریستیانو رونالدو، فوق ستاره‌ی سپیدپوشان با داشتن سالی «فوق‌العاده»، شایسته‌ی دریافت توپ طلاست. ستاره‌ی پرتگالی موفق شد قهرمانی چمپیونزلیگ، کوبا دل ری و سوپرکپ اروپا را به‌دست آورد و در فصل جاری نیز با به ثمر رساندن ۲۹ گول در ۲۱ بازی، بهترین گولزن به شمار می‌رود. رونالدو در کنار لیونل مسی و نوبیر، نامزد دریافت توپ طلاست و بیل او را شایسته‌ترین نامزد می‌داند.

او گفت: «رونالدو امسال فوق‌العاده بود و شایسته‌ی دریافت توپ طلاست». همچنین لیزارازو، ستاره‌ی سابق بایرن مونیخ و تیم ملی فرانسه نیز معتقد است که رونالدو فصل بهتری نسبت به مسی داشته است. او گفت: «رونالدو این فصل بهتر از مسی بود».

## عصبانیت مانچینی از شکست اینتر

روبرتو مانچینی، سرمربی اینتر پس از شکست ۲-۱ تیمش مقابل اودینزه، به انتقاد از عملکرد شاگردانش پرداخت. مانوئرو ایکاردی در اواخر نیمه‌ی اول تیمش را پیش انداخت، ولی در نیمه‌ی دوم با دریافت دو گول، اینتر در جویزه مه‌آتزا شکست خورد. مانچینی عنوان کرد که از این عملکرد عصبانی است، ولی هنوز چیزهای مثبتی در تیم می‌بیند. او گفت: «از این شکست عصبانی هستم. هیچ کاری نمی‌توانیم انجام دهیم، تیم خوب کار می‌کند و ما فقط باید به همین روند ادامه دهیم. در نیمه‌ی اول خوب بازی کردیم، موقعیت‌های زیادی داشتیم و گول هم زدیم. در نیمه‌ی دوم خوب شروع کردیم، ولی در ۱۵ دقیقه اودینزه بازی را در دست گرفت».

## نصری: اگر سیتی به من نیاز نداشته باشد، می‌روم

سمیر نصری، هافبک منچسترسیتی عنوان کرد که در صورتی که سیتی نیازی به او ندارد، از این تیم می‌رود. سیتی یک دیدار بسیار مهم مقابل رم در ورزشگاه استادیو المپیکو دارد که در صورت پیروزی در آن دیدار می‌تواند به دور بعد لیگ قهرمانان صعود کند. نصری عنوان کرد که تیمش توانایی صعود را دارد، ولی هم‌چنین مدعی شد که در صورتی که احساس کند تیم به او نیازی ندارد، منچستر را ترک خواهد کرد. او گفت: «نمی‌دانم که باشگاه را ترک خواهیم کرد یا نه. اگر بپایند و به من بگویند که وسایلت را جمع کن و برو، این کار را خواهیم کرد». نصری سپس راجع به دیدار مقابل رم گفت: «اگر بازی خودمان را مقابل رم انجام دهیم، پیروز خواهیم شد. بزرگترین مشکل ما، بازی کردن با ریسک و خطر است. اگر سوالی نکنیم و بازی خودمان را انجام دهیم، می‌توانیم صعود کنیم. کیفیت تیم ما بالاتر است. اگر از لیگ قهرمانان حذف شویم، تقصیر سرمربی نیست. بازیکنان هستند که در درون زمین بازی می‌کنند».

## فان‌خال: فالکائو باید خود را ثابت کند

لوئیس فان‌خال، سرمربی منچستریونایتد عنوان کرد که رادامل فالکائو پیش از اثبات آمادگی بدنی‌اش، جایی در ترکیب ثابت یونایتد نخواهد داشت. مهاجم کلمبیایی در ماه اکتبر دچار مصدومیت شد و یک ماه از میادین دور بود و در دو بازی اخیر، به عنوان یار جاگزین به میدان آمده است. سرمربی هالندی عنوان کرد که قصد تغییر فلسفه و طرز فکرش را ندارد و فالکائو باید برای فیکس شدن خودش را ثابت کند. او در پاسخ به این سوال که آیا نیمکت‌نشینی فالکائو به‌خاطر آمادگی بدنی‌اش است، گفت: «بله، آمادگی برای بازی کردن. او دو روز بعد از دیدار مقابل هال سیتی تمرین کرد و مقابل استوک، ۱۵ دقیقه به میدان رفت. پس از دیدار مقابل استوک، از چهارشنبه تمرین کردیم؛ زیرا روزهای قبلیش، به تیم استراحت داده بودم. سپس در پنج‌شنبه تمرینی نداشتیم و جمعه در دو نوبت تمرین کرد. البته تعلق به تیم این است که بین دقایق ۴۵ و ۶۰ یا حتی ۹۰ به میدان بروید و تأثیرگذار باشید، مثل کاری که جانی ایوانز انجام می‌دهد. این کار را نمی‌توانم انجام دهم؛ زیرا به او نیاز دارم؛ چون رونی مصدوم شده است. جیمز ویلسون نیز مقابل هال سیتی دچار مصدومیت شد. با این اوصاف، ترکیبی جدید و او را در بخشی قرار دادم که می‌تواند ۲۰ دقیقه بازی کند. زیرا سرعت و ریتم بازی در انگلیس بسیار بالاست».

## مورینیو: نیوکاسل مقابل دروازه، گاو پارک کرده بود!

ژوزه مورینیو، سرمربی چلسی به انتقاد از تاکتیک‌های دفاعی نیوکاسل پرداخت و گفت که آن‌ها به‌جای بس، یک گاو جلو دروازه پارک کرده بودند! چلسی اولین شکست فصل خود را مقابل نیوکاسل تجربه کرد و شاگردان مورینیو، با نتیجه‌ی ۲-۱ نتیجه را مقابل شاگردان آلن پارادو واگذار کردند و سرمربی پرتگالی، به انتقاد از تاکتیک‌های نیوکاسل پرداخت. او در پاسخ به این که آیا در فوتبال می‌توان هر کاری انجام داد، گفت: «نه، هر کاری؟ مثلا می‌توان یک گاو را در وسط زمین گذاشت و بازی را متوقف کرد؛ زیرا یک گاو در زمین است. نمی‌توان هر کاری در فوتبال انجام داد. باید با ۱۰ نفر دفاع

کرد، ۱۰ نفر را روی خط دروازه گذاشت، بس پارک کرد، ولی در فوتبال به توپ نیاز است. برای پیروزی باید هر کاری که می‌توانید انجام دهید، ولی نه هر کاری. گاهی توپی در کار نبود و آن‌ها تنها به‌دنبال قطع بازی تیمی بودند که سعی داشت پیروز شود». مورینیو در باره‌ی عملکرد چلسی در بازی گفت: «بهتر از هر تیم دیگری بازی می‌کنیم و البته دوباره بازخواهیم گشت. ما در صدر جدول هستیم. برای افرادی مثل من که مدت‌هاست در فوتبال هستند، باید برخلاف قاعده بودن را قبول کرد. این‌که به این‌جا بیایید و بهتر از حریف بازی کنید و ببازید، این فوتبال است».

## لیورپول به‌دنبال بواس برای جایگزینی راجرز

به گزارش روزنامه‌ی تایمز، مالکان لیورپول آندره ویلاس بواس، سرمربی فعلی زینت سن پترزبورگ را مد نظر دارند تا جایگزین سرمربی ایرلندی کنند. بواس سابقه‌ی حضور در لیگ برتر در تیم‌هایی مثل آنتنهام و چلسی را دارد و کاملا با فضای لیگ جزیره آشنایی دارد و می‌تواند گزینه‌ی خوبی برای باشگاه مرسی سایدی باشد.

لیورپول قصد دارد از آندره ویلاس بواس، برای جایگزینی برندن راجرز روی نیمکت خود استفاده کند. راجرز که فصل گذشته در آستانه‌ی رساندن لیورپول به قهرمانی پس از ۲۴ سال بود، حال با نتایج ضعیفی که در فصل جدید، چه در لیگ برتر و چه در لیگ قهرمانان کسب کرده، جایگاه متزلزلی در لیورپول پیدا کرده است.

## آل‌با: وضعیت زانویم در حال بهتر شدن است

داوید آل‌با مدافع اتریشی بایرن مونیخ پس از آن که در دیدار این تیم مقابل AS رم در چارچوب رقابت‌های لیگ قهرمانان باشگاه‌های اروپا به پارگی رباط پا دچار شد، یک‌شنبه شب برای تماشای مصاف بایرن با بایرولکوزن بدون عصا و لبتخندزان به ورزشگاه آلیانس آرنا وارد شد. وی در گفت‌وگو با خبرنگار آندسایتونگ از پیشرفت سریع روند بهبودی‌اش خبر داد و گفت: «حال من خوب است. زانویم هم بهتر شده. همه‌چیز روبه‌راه است». از

تخوه‌ی سریع راه رفتن او هم مشخص بود که وضعیت مصدومیتش بسیار بهبود یافته است. البته او به توصیه‌ی پزشکان تیم بایرن از حضور در سه مسابقه‌ی بعدی تیمش در بوندسلیگا مقابل تیم‌های آوگسبورگ، فرایبورگ، ماینس و هم‌چنین یک دیدار در چمپیونزلیگ مقابل زسکا مسکو بجزر داشته شده است. باورایی‌ها امیدوارند این مدافع ارزشمند با آغاز دور برگشت رقابت‌های فصل جاری بوندسلیگا به ترکیب سرخ‌پوشان پرافتخار شهر مونیخ بازگردد.

## واکنش جالب انریکه به اخراج ۱۷ هوادار ریال

پس از بازی اسپانیول، خبرنگاران این خبر را به انریکه اطلاع دادند. واکنش سرمربی بارسا پس از شنیدن این خبر در نوع خود جالب بود. وی گفت: «فقط ۱۷ نفر؟ البته من از این امر استقبال می‌کنم. از هر کاری که ورزشگاه‌ها انجام شود، حمایت خواهم کرد. در تمام ورزشگاه‌های اسپانیا به بازیکنان و مربیان توهین می‌شود. اما یک حقیقت را نباید فراموش کرد؛ اگر ما بخواهیم همه‌ی توهین‌کنندگان را از ورزشگاه‌ها اخراج کنیم، از این پس مسابقات را باید بدون حضور تماشاچی برگزار کنیم».

بارسلونا یک‌شنبه شب موفق شد تا با نتیجه‌ی ۵-۱ بر اسپانیول غلبه کرده و دربی کاتالونیا را به‌سود خود خاتمه دهد. در نشست خبری پس از این بازی، مسئله‌ی اخراج ۱۷ هوادار ریال از برنابئو مطرح شد. یک‌شنبه شب و در جریان دیدار تیم‌های ریال مادرید و سلتا، از سوی گروهی از هواداران افراطی ریال، شعارهای بسیار تندى علیه مسی و بارسلونا سر داده شد که همین عامل باعث شد تا باشگاه ریال اقدام به شناسایی محرکین این اقدام زشت کند. ۱۷ هوادار در این زمینه شناسایی شده و قرار است که از ورود آن‌ها به برنابئو جلوگیری شود. در نشست خبری

## رکورد جدید لیو مسی در بارسلونا

این جدیدترین رکوردشکنی مسی پس از شکستن رکورد گولزنی در لالیگا و نیز لیگ قهرمانان است. رقابت بین او و رونالدو، هفته به هفته داغ‌تر می‌شود. پس از هت‌تریک شنبه شب رونالدو مقابل سلتا، یک‌شنبه شب مسی نیز موفق به زدن سه گول برای بارسا شد. از سال ۲۰۰۹ که رونالدو به لالیگا آمده، در ۱۷۸ بازی، ۲۰۰ گول برای ریال به ثمر رسانده و در همین مدت، مسی در ۱۸۲ بازی، ۲۰۱ گول برای بارسلونا زده است.

بارسا با هت‌تریک مسی و گول‌های پدرو و پیکه، موفق شد تا با نتیجه‌ی ۵-۱، دربی کاتالونیا را به نفع خود به پایان برساند. مسی با سه گولی که یک‌شنبه شب به اسپانیول زد، تعداد گول‌های خود با پیراهن بارسا در تمام رقابت‌ها (حتا دوستانه) را به عدد ۴۰۲ رساند و هم‌چنین از رکورد گولزنی سزار در دربی کاتالونیا پیشی گرفت (۱۳ گول). او بدین ترتیب به بهترین گولزن تاریخ دربی شهر بارسلون بدل شد.



## دادگاه عالی حکم دادگاه استیناف کابل بانک را تأیید کرد



اختلاس و بحران کابل بانک تحت پیگرد قانونی هستند و حکم بازداشت آن‌ها صادر شده است. او افزود که در دادگاه تجدید نظر، شیرخان فرزند، خلیل‌الله فیروزی، محمد طارق میران، کمال ناصر کرور، محبوب شاه فروتن، امین‌الله خیراندیش، مصطفی مسعودی، ظفرالله فقیری، شیرآقا حلیم، محمد قسیم فقیری، بسم‌الله و محمد عارف سالک حضور داشتند که فقط آقایان رحیمی و فقیری آزاد شدند و بقیه اکنون در زندان به سر می‌برند.

آقای عزیزی تأکید کرد که تمام دارایی افراد ذکر شده تا زمانی که تصفیه کامل انجام ندهد، مسدود خواهند بود. پرونده کابل بانک به عنوان بزرگ‌ترین کلاهبرداری مالی در تاریخ افغانستان بادمی شود. به نظر کارشناسان اقتصادی، تخطی قانونی مدیران کابل بانک، یکی از دلایل مواجه شدن این بانک با بحران بوده است.

بر اساس ماده ۳۴ قانون بانک‌داری، «بانک نمی‌تواند به عنوان عامل، نماینده و شریک در تجارت عمده یا پرچون (خرده)فروشی به فعالیت‌های صنعتی یا تولیدی، حمل‌ونقل، زراعت، ماهی‌گیری، معدن، ساختمان، بیمه، یا سایر فعالیت‌های تجاری بپردازد». در حالی که مدیران کابل بانک از سرمایه‌های این بانک، برای سرمایه‌گذاری در بخش ساختمان، نفت و گاز، حمل‌ونقل هوایی، راه‌اندازی تلویزیون و ایجاد شرکت امنیتی سرمایه‌گذاری کرده بودند.

دادگاه عالی حکم دادگاه استیناف (تجدید نظر) رسیدگی به پرونده اختلاس کابل بانک را تأیید کرد. دادگاه استیناف کابل روز سه‌شنبه (۱۱ نوامبر/۲۰ عقرب) تمام دارایی‌های متهمان اختلاس از کابل بانک را مسدود کرد و ریسان پیشین این بانک را به ده سال زندان و پرداخت تمام پول اختلاس شده و بهره‌ی آن محکوم کرد. دبیر دوشنبه (۸ دسامبر/۱۷ قوس) اعلام کرد که براساس این حکم، تمام دارایی‌های حاجی محمد طاهر ظاهر، غلام داوود نصیب، صوفی نثار احمد، شکرالله شکران، حیات‌الله کوچکه، تأسیسات نفتی حیرتان، کابل نفت، شرکت هوایی پامیر، گل‌بهار حبیبی، عبدالغفار داوی، اخترگل، ملک جان، محمد طاهر، گل‌بهار تاور، صرافی شاهین، آریانا استیل، محمود کرزی، حصین فهیم، ظاهر گروپ و گاز گروپ به دلیل اختلاس و مقروضیت از کابل بانک مسدود شده‌اند.

سخنگوی دادستانی کل گفت که گل‌بهار حبیبی، محمود کرزی و عبدالغفار داوی تا کنون برای پرداخت و تصفیه بدهی‌های خود، به دادستانی مراجعه کرده‌اند. آقای عزیزی تأکید کرد که براساس حکم دادگاه، شکرالله شکران، حاجی شیرین، امینا یاسو، احمد تمیم، موتوچی، عبدالله کرول، جانسن، حسن اکبر، جورج، ضیالاحسن، احمد جاوید، نورجان، نورالله صیفی و فهیم تراب نیز به دلیل دست داشتن در

شرکت هیوادوال: ۱۵ میلیون دالر  
صوفی نثار احمد: ۱۴ میلیون دالر  
غلام داوود نصیب: ۳۶ میلیون دالر  
شکرالله شکران: ۳۰ میلیون دالر  
حیات‌الله کوچکه: ۱۷ میلیون دالر  
آریانا استیل: ۱۵ میلیون دالر  
نجیب‌الله پاینده: ۱۰۴ میلیون دالر (بی‌بی‌سی)

گل‌بهار حبیبی: ۱۷.۵ میلیون دالر  
عبدالغفار داوی: ۳۷.۶ میلیون دالر  
تأسیسات نفتی حیرتان: ۷.۹ میلیون دالر  
محمود کرزی: ۸.۷ میلیون دالر  
کابل نفت: ۲۱.۴ میلیون دالر  
گل‌بهار تاور (ساختمان تجارتي): ۱۶.۸ میلیون دالر  
محمد طاهر ظاهر: ۱۶.۲ میلیون دالر

وام‌های خلاف قانون، با هویت مجهول را امضا و اجرا نموده‌اند؛ افرادی که وجوه وام‌های خلاف قانون را دریافت کرده‌اند.  
**بدهکاران عمده کابل بانک**  
شیرخان فرزند: ۳۳۴ میلیون دالر  
خلیل‌الله فیروزی: ۱۳۷ میلیون دالر  
گاز گروپ: ۷۲ میلیون دالر  
حصین فهیم: ۴۴ میلیون دالر

علاوه بر آن، گفته شده که تخطی از مقررات بانک‌داری نیز راه را به سوی بحران در این بانک باز کرده است. قرضه و مصارف بدون حساب نیز عامل دیگر بحران این بانک ذکر شده است. چندی قبل روزنامه‌ی اطلاعات روز نوشت که دو گروه و افراد بحران کابل بانک را به عهده دارند: اشخاصی که

## ۲۰ افغانی پرداخت کنید ۵ دقیقه تماس های بین المللی بدست آورید



فیس اشتراک	فایده ها	تجدید خود کار	مدت اعتبار	کود اشتراک	کود غیر فعال سازی	کود مشاهده بیلانس
۲۰ افغانی	۵ دقیقه (تماس های بین المللی)	بلی	۱ روز	*۸۸۸۸*۷*۹۱#	*۸۸۸۸*۷*۹۲#	*۸۸۸۸*۷*۹۴#

برای معلومات بیشتر به ۱۵۲ در تماس شوید یا پیام ارسال کنید و یا به ۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰ تماس بگیرید.

مدت اعتبار الی ۳۱ دسمبر سال ۲۰۱۴ میبانشد

[www.afghan-wireless.com](http://www.afghan-wireless.com)



مالیزیا

چین

هندوستان

کانادا

آمریکا